

خبرنامه



سال دهم، شماره هشتاد و هشتم، تیر و مرداد ماه ۱۴۰۱

**تجلیل از دو استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
در سیزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فارابی**





فهرست

- ۳..... تجلیل از دو استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سیزدهمین دوره جشنواره فارابی
- ۶..... انتخاب دکتر موسی نجفی به عنوان عضو هیأت امنای بنیاد ایران شناسی
- ۹..... موفقیت نشریات پژوهشگاه در ارزیابی کمیسیون نشریات وزارت علوم و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام
- ۱۰..... جشن غدیر و صدور احکام معاونان، رئیسان پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی و مدیران واحدهای علمی و اداری
- ۱۶..... تصویب طرح کلان ملی «استعمارشناسی در ایران»
- ۱۸..... لزوم پیوند میان پژوهش‌های دانشجویی با مسائل جامعه
- ۲۰..... دیدار اعضای هیأت علمی پژوهشکده دانشنامه‌نگاری با رئیس و هیأت رئیسه پژوهشگاه
- ۲۷..... عناوین کتاب‌های در دست انتشار پژوهشگاه
- ۲۴..... جلسه گردهمایی معاونین اداری، مالی و مدیران، مالی اداری مؤسسات پژوهشی
- ۲۶..... دیدار دکتر سیده حورا صدر با رئیس پژوهشگاه علوم انسانی
- ۲۷..... انتخاب سه عضو هیأت علمی پژوهشگاه در انتخابات هیأت مدیره دوره هفتم انجمن زبان شناسی

یادداشت‌ها:

- ۲۹..... تأملی در رابطه پزشکی و فلسفه نزد جالینوس و ابن سینا
- ۲۳..... میراث پدر، تبارشناسی یک رویداد (نامه محمد بن ابوبکر به معاویه بن ابوسفیان)

نشست‌ها و سخنرانی‌ها:

- ۳۳..... هرات، بررسی آثار باستانی و تاریخی از دوره تیموریان تا تشکیل کشور مستقل افغانستان
- ۳۶..... تکانشگری، تصمیم‌گیری خطرساز و جرائم قضایی
- ۴۴..... کارکرد زبان و مفهوم صدق در اندیشه هایدگر
- ۴۸..... بحران اوکراین به مثابه نقطه عطف و تأثیرات بین‌المللی آن



پیام رهبری به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۴۰۱/۰۴/۱۴

عزت امت اسلامی

وحدت مسلمانان یکی از دو پایه اساسی حج است که چون با ذکر و معنویت که پایه اساسی دیگر این فریضه پُر راز و رمز است همراه شود، می‌تواند امت اسلامی را به اوج عزت و سعادت برساند و آن را مصداق «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ» قرار دهد. حج، ترکیبی از این دو عنصر سیاسی و معنوی است؛ و دین مقدس اسلام آمیزه پرشکوه و با عظمتی از سیاست و معنویت است.



پرو، شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

در سیزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فارابی صورت گرفت؛ تجلیل از دکتر فوزی و دکتر افروغ، دو استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آیین معرفی برگزیدگان اختتامیه سیزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فارابی ویژه تحقیقات علوم انسانی و اسلامی با حضور سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور در سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی برگزار و در این مراسم از دو استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تجلیل به‌عمل آمد.

در آیین اختتامیه سیزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فارابی ویژه تحقیقات علوم انسانی و اسلامی از طرح پژوهشی «امام خمینی (ره) در مواجهه با مخالفان و منتقدان: مطالعه بنیان‌های نظری و سیره عملی» اثر دکتر یحیی فوزی، استاد و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به‌عنوان اثر شایسته تقدیر بزرگسال گروه مطالعات انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) معرفی و از وی تجلیل به‌عمل آمد. همچنین در این مراسم از دکتر عماد افروغ، استاد بازنشسته و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به‌عنوان شخصیت پیشرو علوم انسانی و اسلامی، تکریم به‌عمل آمد.



رئیس جمهور:

عقب‌ماندگی‌هایی در تحقق علوم انسانی تر از انقلاب اسلامی، وجود دارد

سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور کشورمان در مراسم اختتامیه سیزدهمین جشنواره بین‌المللی فارابی ضمن ابراز خرسندی از حضور در جمع استادان، فرهیختگان و محققان علوم انسانی و اسلامی و با تبریک به برگزیدگان این جشنواره، اظهار کرد: در نشست‌هایی از این دست، لازم است دانشمندان و فرهیختگان ضمن آسیب‌شناسی وضع موجود، نسبت به کاهش فاصله با وضع مطلوب، پیشنهاد و راهکار ارائه کنند.



رئیس‌جمهور همچنین با تأکید بر ضرورت آسیب‌شناسی در حوزه علوم انسانی، افزود: علوم انسانی اسلامی، مغز افزار حاکمیت و مدیریت و نیز قوه محرکه پیشرفت در نظامی است که مبتنی بر دین بوده و درون‌مایه آن علم و دانش است. در چهل و چهارمین سال پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، لازم است یک آسیب‌شناسی کنیم که چه میزان رشد و پیشرفت در این حوزه صورت گرفته است؟

آیت‌الله رئیسی با تأکید بر اینکه علوم انسانی ما باید تر از انقلاب اسلامی باشد، تأکید کرد: به‌نظر می‌رسد برای نیل به علوم انسانی تر از انقلاب اسلامی، در آنچه که باید اتفاق می‌افتاد، عقب‌ماندگی‌هایی وجود دارد و این عقب‌ماندگی باید به دست پژوهشگران و استادان این حوزه جبران شود.

رئیس‌جمهور با تأکید بر لزوم نظریه‌پردازی، نوآوری و خلاقیت در حوزه علوم انسانی و توجه به رویکرد دینی در این حوزه، اظهار کرد: فصل‌الفصول انسان، تعلم است و علاوه بر آن، انسانیت انسان مبتنی بر آموزه‌های او از وحی است.

وی نشان دادن راه به انسان را مأموریت خطیر علوم انسانی اسلامی دانست و تصریح کرد: برای بالندگی و رشد در حوزه علوم انسانی، باید تقلید از غرب در این حوزه کنار گذاشته شود و مبتنی بر مبانی غنی اسلامی، کار اجتهادی و نوآورانه انجام گیرد. در گام بعدی اجتهاد و نوآوری در این حوزه باید در مجامع علمی و حوزوی و دانشگاهی مورد استقبال قرار گیرد و نخبگان و عالمان و دانشگاهیان ما با دید باز اما نگاهی نقادانه به سراغ نظریه‌های جدید بروند و آنها را با ابزار نقد، مورد پالایش قرار دهند.

آیت‌الله رئیسی با تأکید بر لزوم ایجاد کرسی‌های نقد و نقدپذیری، اظهار کرد: همان‌طور که رهبر انقلاب فرمودند، نباید باکی از نقد نظریات وجود داشته باشد و باید مجال بحث و طرح نقد فراهم شود. متولیان ایجاد تحول در علوم انسانی باید بدانند اولین شرط تحقق در این حوزه، تحول‌شناختی است و در این زمینه باید از چهره‌های تحول‌خواه و تحول‌گرا استفاده کنیم.

رئیس‌جمهور در ادامه تکریم، تشویق و حمایت از استادان، محققان و پژوهشگران در ایجاد این تحول را ضروری و مؤثر دانست و افزود: گاهی برخی استادان و بزرگان علوم انسانی گلیه دارند که شرایط علوم دیگر بر علوم انسانی هم تحمیل می‌شود، در صورتی‌که علوم انسانی باید با شرایط و مقتضیات خود تبیین و تشریح شود.

رئیس‌جمهور در ادامه با بیان اینکه پیام این نشست و رویداد باید این باشد که تا چه میزان نظام مسائل کشور مبتنی بر علوم انسانی پاسخ گرفته است، افزود: همواره یکی از دغدغه‌های بنده اجرای عدالت در همه عرصه‌ها به‌ویژه در پرداخت دستمزدها بوده است که در این زمینه از استادان دانشگاهی برای تبیین و تنظیم یک شیوه علمی عادلانه برای پایان دادن به نظام ناعادلانه پرداخت‌ها دعوت شده است.

تأکید دکتر زلفی گل به پنج اولویت وزارت علوم

پیش از سخنرانی رئیس جمهور نیز دکتر زلفی گل وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در سخنانی با بیان اینکه کشوری که هزینه برای علم را سرمایه گذاری بدانند حتما دست برتر در همه عرصه ها را خواهد داشت، گفت: خرسندیم که رهبر حکیم و فرزانه و همچنین رئیس جمهور ما برای علم و عالمان و فناوران جایگاه ویژه ای قائل هستند.



دکتر زلفی گل با اشاره به اینکه جمهوری اسلامی اساس پیشرفت خود را در زمینه علم می داند، افزود: در این راستا وزارت علوم با لحاظ نوع نگاه و حاکمیت جمهوری اسلامی و در دولت مردمی، پنج اولویت «مرجعیت دیپلماسی علم و فناوری»، «آموزش، پژوهش و برون داد هدفمند»، «نوآوری فرهنگی و فرهنگ نوآوری»، «شاگرد نوآور و نوآورپروری»، و «تولید خدمت، ثروت و سرمایه از دانش» را سرلوحه کار خود قرار داده است و برای تحقق آن از تمام ظرفیت های علمی و پژوهشی موجود در کشور استفاده خواهد کرد.



دکتر غلامی:

جشنواره فارابی، زمینه حمایت از استعداد های برتر و نخبگان علمی را فراهم می کند

همچنین حجت الاسلام رضا غلامی، رئیس دبیرخانه سیزدهمین دوره جشنواره بین المللی فارابی، در اختتامیه این جشنواره که در سالن اجلاس سران برگزار شد، گفت: در جمهوری اسلامی تحول علوم انسانی موضوعی بسیار با اهمیت و جدی است، به ویژه با پیروزی انقلاب اسلامی این بحث که چه نسبتی باید بین علوم انسانی و اجتماعی به عنوان مغزافزار پیشرفت کشور و گفتمان انقلاب اسلامی وجود داشته باشد، مطرح شد.



وی افزود: طی دهه های اخیر در زمینه تحول علوم انسانی اقدامات ارزشمندی انجام شده است اما فاصله ما با نقطه مطلوب بسیار زیاد است. در زمینه تحول در حوزه علوم بومی سازی، کارآمدسازی و هماهنگی با جهان الهی و احکام اسلامی با نقطه مطلوب فاصله طولانی داریم و چه بسا به این زودی اهداف مهم و پیش بینی شده تحول علوم انسانی محقق نشود، چراکه سرمایه گذاری، تلاش و زمان زیادی لازم است. اگر علوم انسانی بخواهد در پیشرفت کشور تأثیرگذار باشد باید فرصت لازم برای تمدن سازی را ایجاد کند. رئیس دبیرخانه سیزدهمین دوره جشنواره بین المللی فارابی با بیان اینکه طی هماهنگی با دکتر زلفی گل، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، قرار شد جایزه دیپلماسی علمی به جشنواره بعدی افزوده شود، خاطرنشان کرد: جشنواره فارابی در این چهارده دوره موفق بوده است اما به علت نبود امکانات مالی یا سیاست های وزارت علوم در دوره های قبل نتوانسته به همه اهداف و استعداد های جشنواره دست یابد، اما در این دوره طی همکاری با وزارت علوم و شخص وزیر بنا داریم که استعدادها و ظرفیت های جشنواره شناسایی شده و به فعلیت برسد. در این مراسم با حضور رئیس جمهور از ۱۰ شخصیت پیشگام و پیشتاز علوم انسانی و اسلامی، ۱۰ استاد برگزیده بین المللی و ۲۲ برگزیده گروه های مختلف علمی با اهدای لوح یادبود تجلیل شد.



از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی صورت گرفت:

انتخاب دکتر موسی نجفی به عنوان عضو هیات امنای بنیاد ایران شناسی

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، هشتصد و شصت و ششمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی روز سه شنبه مورخ ۴ مردادماه به ریاست آیت الله دکتر سید ابراهیم رئیسی برگزار شد و آیت الله سید محمد خامنه ای، عالم زاده، محمد رجبی، محمد علی کاظم بیگی و موسی نجفی به عنوان اعضای هیات امنای بنیاد ایران شناسی انتخاب شدند.

در ابتدای این جلسه اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی از مدال آوران المپیادهای جهانی دانش آموزی کشور و مریمان آنان تقدیر کردند. یادآور می شود از آغاز انقلاب اسلامی تاکنون حدود ۷۰۰ مدال در مسابقات المپیاد جهانی توسط دانش آموزان ایران کسب شده است. همچنین در همین ارتباط مقرر شد سند باشگاه دانش پژوهان جوان که در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است، هفته آینده ابلاغ شود.

در ادامه اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی آیت الله سید محمد خامنه ای، عالم زاده، محمد رجبی، محمد علی کاظم بیگی و موسی نجفی را به عنوان اعضای هیات امنای بنیاد ایران شناسی انتخاب کردند. در این جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی بر اهمیت توجه به مسئله صیانت از سلامت اجتماعی و ضرورت تقویت شناخت فرهنگی و تقویت دانش اجتماعی در راستای تحقق آن و نقش نهادها و مراکز همچون صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و ... در این ارتباط تأکید شد.

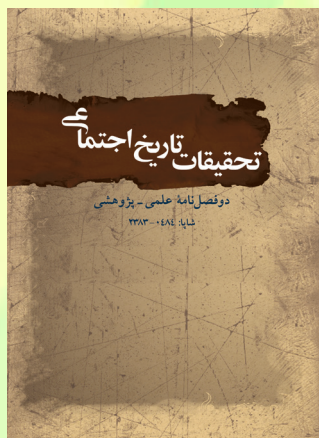
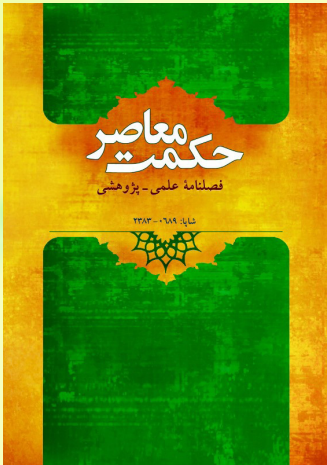


موفقیت نشریات پژوهشگاه در ارزیابی کمیسیون نشریات وزارت علوم و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)

نشریات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در ارزیابی کمیسیون نشریات وزارت علوم مربوط به سال ۱۴۰۰، موفقیتی دیگر کسب کردند؛ سه نشریه از نشریات پژوهشگاه رتبه «الف»، و سایر نشریات موفق به کسب رتبه «ب» شدند.

سه نشریه «تحقیقات تاریخ اجتماعی»، «پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی»، و «حکمت معاصر» موفق به کسب رتبه «الف» شدند و سایر نشریات پژوهشگاه از جمله «منطق پژوهی»، «ادبیات پارسی معاصر»، «پژوهش نامه تاریخ اجتماعی- اقتصادی»، «آفاق الحضاره»، «تفکر و کودک»، «جستارهای تاریخی»، «غرب‌شناسی بنیادی»، «جامعه پژوهی فرهنگی»، «پژوهش نامه زنان»، «فلسفه علم»، «مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ»، «بررسی مسائل اقتصادی ایران»، «اقتصاد و تجارت

نویسن»، «زبان‌شناخت»، «جستارهای سیاسی معاصر»، «پژوهش‌های علم و دین»، «پژوهش نامه علوی»، «مطالعات فرهنگ و هنر آسیا»، «کهن‌نامه ادب پارسی»، و «پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی»، نیز رتبه «ب» را از کمیسیون نشریات وزارت علوم کسب کردند.



همچنین دو نشریه «ادبیات پارسی معاصر» و «تفکر و کودک» نیز از پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) موفق به کسب درجه Q1 در ضریب تأثیر سال ۱۳۹۸ شده‌اند. به‌منظور آشنایی بیشتر

با نشریات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و بارگذاری مقالات خود می‌توانید به آدرس <https://journals.ihcs.ac.ir> مراجعه فرمایید.



مشخصات نشریات پژوهشگاه که در سامانه مپفای کمیسیون نشریات عضو هستند، در جدول صفحه بعد آورده شده است.



ردیف	عنوان نشریه	مدیرمسؤل	سر دبیر	مدیر اجرایی	امتیاز	ترتیب چاپ
زبان و ادبیات فارسی و عربی						
۱	ادبیات پارسی معاصر	فرانک جهانگرد	علیرضا شعبانلو	رکسانا شاکری	علمی	فصل نامه
۲	پژوهش‌های بین‌رشته‌ای ادبی	طاهره ایشانی	زهرا حیاتی	طاهره ایشانی	علمی	دوفصل نامه
۳	کهن‌نامه ادب پارسی	یوسف محمدنژاد	ابوالقاسم رادفر	ناهید فتحی	علمی	دوفصل نامه
۴	آفاق الحضاره	معصومه نعمتی قزوینی	رمضان رضایی	ناهید فتحی	علمی	دوفصل نامه
علوم اقتصادی						
۵	اقتصاد و تجارت نوین	محمد رضا امیری تهرانی	حمید ابریشمی	زهرا صادقی	علمی	فصل نامه
۶	بررسی مسائل اقتصادی ایران	سید سجاد علم‌الهدی	البراهیم التجائی	زهرا صادقی	علمی	دوفصل نامه
تاریخ						
۷	پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی-اقتصادی	صفورا برومند	نیره دلیر	اعظم ریاحی	علمی	دوفصل نامه
۸	تحقیقات تاریخ اجتماعی	عبدالرحمن حسینی فر	شهرام یوسفی فر	اعظم ریاحی	علمی	دوفصل نامه
۹	جستارهای تاریخی	علی سالاری شادی	علیرضا ملایی توانی	رکسانه شاکری	علمی	دوفصل نامه
علوم سیاسی						
۱۰	جستارهای سیاسی معاصر	فرهاد زیویار	یحیی فوزی	امیر اعتمادی بزرگ	علمی	فصل نامه
فلسفه و کلام						
۱۱	پژوهش‌های علم و دین	مهدی معین‌زاده	علیرضا منجمی	امیر اعتمادی بزرگ	علمی	دوفصل نامه
۱۲	تفکر و کودک	مهرنوش هدایتی	مسعود صفایی‌مقدم	ناهید فتحی	علمی	دوفصل نامه
۱۳	حکمت معاصر	اعظم قاسمی	طاهره کمالی‌زاده	آمیثیس جواد شهیدی	علمی	دوفصل نامه
۱۴	غرب‌شناسی بنیادی	مهدی بنایی چهرمی	حسین کلباسی	مختار مومنی	علمی	دوفصل نامه
۱۵	فلسفه علم	غلامحسین مقدم‌حیدری	غلامحسین مقدم‌حیدری	مهدی محمدی	علمی	دوفصل نامه
۱۶	منطق پژوهی	غلامحسین مقدم‌حیدری	غلامرضا ذکیانی	مهدی محمدی	علمی	دوفصل نامه
شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی						
۱۷	پژوهش‌نامه انتقادی	جان‌الله کریمی مطهر	موسی نجفی	لیلا جدیدی	علمی	ماه نامه
علوم قرآنی و اسلامی						
۱۸	پژوهش‌نامه علوی	سید محمد رحیم ربانی زاده	علیرضا میرزا محمد	بهناز عبادی	علمی	دوفصل نامه
علوم اجتماعی و فرهنگی						
۱۹	جامعه پژوهی فرهنگی	سید آیت اله میرزایی	سید جواد میری	سید مختار مومنی	علمی	فصل نامه
۲۰	مطالعات فرهنگ و هنر آسیا	زهرا عطائی آشتیانی	زهرا زرشناس	آنیثا کمالی‌ها	علمی	دوفصل نامه
۲۱	مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ	زهرا اجاق	سید بیوک محمدی	مهدی محمدی	علمی	دوفصل نامه
۲۲	پژوهش‌نامه زنان	مریم نصر اصفهانی	سمیه سادات شفیعی	فاطمه بدوی	علمی	فصل نامه
زبان‌شناسی						
۲۳	زبان‌شناخت	امید طیب زاده	زهرا زرشناس	آمیثیس جواد شهیدی	علمی	دوفصل نامه

همزمان با برگزاری مراسم عید سعید غدیر خم صورت گرفت:

صدور احکام معاونان، رئیسان پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی و مدیران واحدهای علمی و اداری

احکام ۲۹ نفر از مسئولین پژوهشگاه طی مراسمی که به مناسبت بزرگداشت عید سعید غدیر خم در روز ۲۶ تیرماه در تالار تمدن پژوهشگاه برگزار شد، به آنان اعطاء شد. معاونان، رئیسان پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی، مدیران واحدهای اداری و علمی که پیش از این در مسئولیت‌های خود به‌عنوان سرپرست انتخاب شده بودند، در این مراسم ابلاغ معاونت، ریاست و مدیریت خود را دریافت کردند. برخی از رؤسا و مدیران جدید نیز در این مراسم که به‌عنوان سرپرست انتخاب شده بودند، ابلاغ خود را دریافت کردند.



در ابتدای این مراسم پس از پخش نماهنگ‌های مرتبط با گرامیداشت این عید سعید و تلاوت آیاتی چند از کلام ... مجید توسط آقای مهدی عادل، قاری بین‌المللی کشور، دکتر نجفی، رئیس پژوهشگاه، ضمن تبریک عید سعید غدیر خم به اعضای پژوهشگاه، به فلسفه انتخاب چنین ایامی برای صدور احکام معاونان، رئیسان پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی اشاره کرد و گفت: شاید اولین نکته‌ای که بتوان در ارتباط با انتخاب این روز برای صدور احکام برشمرد، قرابت آن با عید سعید غدیر خم و مسئله «برکت» این عید بزرگ است. وی افزود: معتقدم که برخی ایام نسبت به روزهای دیگر، مهم‌تر هستند و ان‌شاءالله به برکت غدیر و ولایت و وصایت حضرت علی علیه‌السلام، صدور این احکام مبارک باشد و رئیسان منتخب با همت و برکت بیشتری در چارچوب مأموریت‌ها و وظایف محوله فعالیت‌ها و فرایندهای مختلف اجرایی و اداری را انجام دهند.



دومین نکته‌ای که در ارتباط با این روز می‌توان گفت این است که غدیر، گام دوم نبوت بود و در مقطع کنونی، ما نیز در مقطع و گام دوم انقلاب هستیم. ان‌شاءالله این پژوهشگاه هم در راستای گام دوم انقلاب قدم بردارد و رئیس پژوهشگاه، سایر مدیران و همه اعضای پژوهشگاه، خودشان را برای مرحله گام دوم انقلاب آماده کنند. رئیس پژوهشگاه تأکید کرد: حکمت دیگر این است که «غدیر» به معنی ماندن در عهد و پیمان و در مقابل «غدر» به معنی ترک پیمان و ترک وفاست. در زمان حاضر شاید در شرایطی هستیم که وجوه سیاسی غدیر بیشتر مطرح می‌شود اما «برتری فرهنگی» جریان امامت و ولایت است که تاریخ اسلام و استواری و بقای آن را تضمین کرد و با وجود اینکه جریان خلافت از جریان امامت به‌ظاهر پیشی گرفت، اما در باطن «برتری فرهنگی» امامت و جریان ولایت همیشه در طول تاریخ برجسته بوده است.

دکتر نجفی متذکر شد: یکی از ابعاد مهم برتری در هر تمدنی از جمله تمدن اسلامی، خط ابتکار، نوآوری و اجتهاد است و سیاست مسئولین پژوهشگاه نیز در گام دوم انقلاب این است که جریان‌های فکری مختلف «برتری فرهنگی» را به رقابت بگذارند، و امید است پژوهشگاه در خط اجتهاد، در خط نوآوری و در خط برتری فرهنگی قرار بگیرد و پیش‌نیاز این امر نیز آرامش، رفاه و امنیت شغلی همکاران و البته گشودگی بر طرح انتقادات و شنوا بودن و گفت‌وگو است که ان‌شاءالله با رعایت آن توسط ریاست پژوهشگاه، معاونان و رئیسان پژوهشگاه‌ها و گروه‌ها، پژوهشگاه به تدریج و آرام آرام در این مسیر قرار خواهد گرفت.

رئیس پژوهشگاه در خاتمه سخنانش و پس از آرزوی توفیق روزافزون برای اعضای پژوهشگاه، ابراز امیدواری کرد: رئیسان پژوهشگاه‌ها و مراکز بتوانند فرایند انتخاب رئیسان گروه‌ها را تا شهریورماه انجام و پس از معرفی آنان به مسئولین پژوهشگاه، در مراسم دیگری اهدای احکام آنان صورت پذیرد.

یادآور می‌شود در بخش پایانی این مراسم احکام معاونان، رئیسان پژوهشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، مدیران واحدهای اداری و علمی توسط رئیس پژوهشگاه به آنان اهداء شد.



اسامی و مسئولیت افرادی که در این مراسم حکم خود را دریافت کردند به شرح ذیل است:

- دکتر یحیی فوزی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی
- دکتر عبدالله قنبرلو، معاون اداری، مالی و مدیریت منابع
- دکتر سیدرضا حسینی، معاون کاربردی‌سازی و علوم انسانی و فرهنگی
- دکتر علیرضا خسروی، مدیر دفتر ریاست و روابط عمومی

- دکتر نیره دلیر، پژوهشگر تاریخ ایران
- دکتر محمدسالار کسرائی، پژوهشگر مطالعات اجتماعی
- دکتر سیروس نصرالهزاده، پژوهشگر زبان‌شناسی





- دکتر علیرضا منجمی، پژوهشکده تاریخ و فلسفه علم
- دکتر سید مصطفی شهرآئینی، پژوهشکده فلسفه
- دکتر روح‌الله شهابی، پژوهشکده اخلاق و تربیت
- دکتر سیده زهرا اجاق، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات
- دکتر آزیتا افراشی، پژوهشکده دانشنامه‌نگاری
- دکتر سید محمدرحیم ربانی‌زاده، پژوهشکده مطالعات علوم قرآنی
- دکتر مالک شجاعی جشقانی، رئیس مرکز تحقیقات امام علی (ع)





- مهندس زهره عطایی آشتیانی، رئیس مرکز پژوهشی اسناد فرهنگی آسیا
- آقای قاسم شکری، مدیر امور حقوقی، قراردادها و پاسخگویی به شکایات
- دکتر مسعود رضایی، مدیر نظارت، ارزیابی و تضمین کیفیت
- آقای علی مرالی، رئیس دبیرخانه هیأت اجرایی جذب اعضای هیأت علمی
- دکتر حوریه احدی، رئیس اداره روابط عمومی
- دکتر حمیدرضا دالوند، رئیس دبیرخانه هیأت ممیزه
- دکتر علیرضا شعبانلو، پژوهشکده زبان و ادبیات





- دکتر مهدی معین زاده، مدیریت پژوهشی پژوهشگاه
- دکتر روح الله کریمی، سرپرست مدیریت تحصیلات تکمیلی
- دکتر عبدالرحمن حسینی فر، مدیر کتابخانه و مرکز اسناد و اطلاعات علمی
- دکتر سمیه کریمی، سرپرست مدیریت ترویج دستاوردهای پژوهش های علوم انسانی
- دکتر بهاره نصیری، مدیر فرهنگی
- دکتر محمدعلی معتضدیان، مدیر اداری و پشتیبانی
- شهرام طریقت، مدیر بودجه، تحول اداری و بهره‌وری
- دکتر خراشادی زاده، مدیر مالی



در نوزدهمین جلسه شورای پژوهشی صورت پذیرفت:

تصویب طرح کلان ملی «استعمارشناسی در ایران»

نوزدهمین جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه در دوره جدید، ۲۰ تیر ماه در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با حضور اعضای شورا تشکیل شد. در این جلسه ضمن تنفیذ و تصویب گونه‌های مختلف برنامه‌های پژوهشی انفرادی پیشنهادی اعضای هیأت علمی، انجام طرح کلان ملی «استعمارشناسی در ایران» به تصویب رسید.

صدور احکام رئیسان پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی پژوهشگاه



در ابتدای جلسه دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، با سلام و درود بر پیامبر گرامی اسلام صلوات علیّه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، اعیاد سعید قربان و غدیر خم را به مسلمانان و شیعیان جهان علی‌الخصوص اعضای پژوهشگاه تبریک گفت. دکتر نجفی با اشاره به برگزاری مراسم جشن عید غدیر خم در روز یکشنبه، ۲۶ تیرماه در پژوهشگاه و دعوت از اعضای شورا و همکاران پژوهشگاه برای حضور در این مراسم، گفت: با توجه به برگزاری و انتخاب رئیسان پژوهشکده‌ها، در این مراسم احکام معاونان، مدیران، رئیسان پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی پژوهشگاه صادر و تقدیم آنان خواهد شد. رئیس پژوهشگاه اظهار امیدواری کرد به برکت این اعیاد

خجسته، فعالیت‌ها و برنامه‌های پژوهشکده‌ها و مراکز با رئیسان جدید با قوت و دقت بیشتری تداوم یابد و رئیسان جدید با معرفی رئیسان گروه‌های مختلف پژوهشکده‌ها، که احکام آنان همراه با رئیسان گروه‌های مستقل پژوهشی در شهریورماه صادر خواهد شد، زمینه‌ساز رشد و تعالی پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی را فراهم سازند. دکتر نجفی همچنین انتخاب طرح پژوهشی «امام خمینی (ره) در مواجهه با مخالفان و منتقدان: مطالعه بنیان‌های نظری و سیره عملی» اثر دکتر یحیی فوزی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی و عضو هیأت علمی پژوهشگاه، در سیزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فارابی ویژه تحقیقات علوم انسانی و اسلامی به‌عنوان اثر شایسته تقدیر بزرگسال گروه مطالعات انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) را تبریک گفت و برای همه اعضای پژوهشگاه آرزوی توفیق روزافزون کرد.

تصویب برنامه‌های پیشنهادی اعضای هیأت علمی



در ادامه جلسه دکتر مهدی معین‌زاده، مدیر پژوهشی پژوهشگاه با اشاره به انجام فرایندهای مختلف مرتبط با هریک از برنامه‌های پژوهشی انفرادی نوع الف، ب یا ج اعضای هیأت علمی پژوهشکده‌های تاریخ ایران، زبان‌شناسی؛ مطالعات قرآنی؛ اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی؛ مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل و حقوق؛ مطالعات اجتماعی؛ اخلاق و تربیت؛ و مرکز پژوهشی اسناد فرهنگی آسیا، در پژوهشکده‌ها یا کمیسیون منتخب شورای پژوهشی، عناوین و مجریان برنامه‌های پژوهشی را قرائت کرد و اعضای شورا با تنفیذ و تصویب برنامه‌های پژوهشی پیشنهادی موافقت کردند.

تصویب طرح کلان ملی «استعمارشناسی در ایران»

مدیر پژوهشی پژوهشگاه با اشاره به پیشنهاد اجرای طرح کلان ملی «استعمارشناسی در ایران» و اعضای کمیته‌های علمی و اجرایی آن، محورهای مختلف در نظر گرفته شده برای اجرای این طرح از جمله: جریان‌شناسی نفوذ استعمار در ایران؛ استعمارشناسی آمریکا، استعمار کهنه و نو؛ ابعاد استعمار سایبری و راهکارهای مبارزه با آن؛ نقش استعمار در تغییر سبک زندگی اسلامی-ایرانی و ... را برشمرد.

سپس دکتر نجفی با تشریح اهمیت مشارکت اعضای هیأت علمی پژوهشگاه‌ها و مراکز پژوهشگاه در تحقق برنامه‌های مختلف پژوهشگاه همچون ایجاد کانال علمی پژوهشگاه در فضای مجازی و در رسانه‌های ارتباطی متنوع موجود در آن، بر ضرورت فعال‌تر شدن و یاری رساندن پژوهشگاه‌هایی همچون مطالعات فرهنگی و ارتباطات در این زمینه با توجه به مأموریت‌ها و برنامه‌های در نظر گرفته شده برای آن تأکید کرد. رئیس پژوهشگاه ایفای نقش فعالانه پژوهشگران پژوهشگاه در پیشنهاد و انجام طرح‌های ملی همچون طرح ملی «استعمارشناسی در ایران» را بسیار مهم ارزیابی کرد و گفت: از ابعاد تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی مراکز پژوهشی در کشور پژوهش و بررسی مسائل و چالش‌های متعدد کشور در در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... است و ضرورت دارد رئیس‌ان پژوهشگاه‌ها و مراکز پژوهشی پژوهشگاه با برنامه‌ریزی و جهت‌دهی به پژوهش‌های اعضای هیأت علمی پژوهشگاه به تحول در برنامه‌های پژوهشی پژوهشگاه ناظر به مسائل و نیازهای کشور یاری رسانند. دکتر نجفی انجام این پژوهش‌ها را از جمله مأموریت‌ها و وظایف پژوهشگاه برشمرد که انتظار می‌رود با هم‌گرایی و ایفای نقش مسئولانه‌تر از سوی اعضای پژوهشگاه در تحقق انتظارات مسئولان کشور و مراجع و نهادهای بالادستی از مراکز پژوهشی سهمی به‌سزا داشته باشند و با حرکت در چشم‌انداز انقلاب و برنامه‌ها و مسائل آن، به ارتقاء جایگاه پژوهشگاه کمک کنند و در اداره و تدوین سیاست‌ها و راهبردهای کشور به مسئولان و اداره‌کنندگان جامعه مدد رسانند.

اعضای شورا نیز با تبادل نظر درباره ابعاد و زوایای مختلف مسئله استعمار همچون مباحث فلسفی، معرفت‌شناسانه، یا تأثیر آن در مسائل آموزش و پرورش و ...، بر اهمیت و ضرورت توجه به جریان نفوذ بیگانه در کشور و بحث استعمار تأکید کردند.

بررسی پیش‌نویس پیشنهادی آیین‌نامه ارتقاء مرتبه اعضای هیأت علمی مراکز و مؤسسات پژوهشی حوزه علوم انسانی



در بخش پایانی جلسه شورا، دکتر دالوند، دبیر هیأت ممیزه پژوهشگاه، با اشاره به مباحث پیشین جلسات شورا درباره تدوین آیین‌نامه ارتقاء مرتبه اعضای هیأت علمی متناسب با فعالیت اعضای هیأت علمی مراکز پژوهشی حوزه علوم انسانی، پیش‌نویس پیشنهادی تهیه شده را مبتنی بر مأموریت‌ها و رسالت‌های پژوهشگران و اندیشمندان علوم انسانی در چارچوب اسناد و برنامه‌های کلان کشور و همسو با سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در حوزه‌های علم و فناوری؛ بیانیه گام دوم انقلاب؛ و نیز سایر اسناد و برنامه‌های توسعه کشور از جمله سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی

ایران و ... دانست. دکتر دالوند با تشریح اصلاحات و نکات بدیع آیین‌نامه پیشنهادی، به وجوه ممتاز این آیین‌نامه به منظور حفظ پویایی و افزایش سطح علمی و فرهنگی فعالیت‌های اعضای هیأت علمی در تناسب با نیازهای معطوف به توسعه کشور پرداخت.

اعضای شورا نیز ضمن بحث و گفت‌وگو درباره ابعاد و مسائل مختلف این آیین‌نامه، اصلاحات پیشنهادی خود را مطرح کردند و مقرر شد، آیین‌نامه پیشنهادی برای رئیس‌ان پژوهشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و نیز اعضای هیأت علمی پژوهشگاه ارسال شود تا پس از دریافت دیدگاه‌ها و نظرات آنان، بررسی آن در جلسه آتی شورا ادامه یابد.

در جلسه شورای تحصیلات تکمیلی تأکید شد:

لزوم پیوند میان پژوهش‌های دانشجویی با مسائل جامعه

جلسه شورای تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه روز دوشنبه مورخ ۲۱ تیر ماه در سالن اندیشه با حضور اعضای شورا تشکیل شد و ضمن بررسی طرح‌نامه پیشنهادی رساله‌های دانشجویان مقطع دکتری، از یک سو بر ضرورت ارتباط میان موضوع رساله‌های دانشجویان و پژوهش‌های صورت گرفته در پژوهشگاه با مباحث و مسائل کشور و از سوی دیگر بر توجه به عمومی‌سازی و ترویجی‌سازی مباحث علمی و امکان ارتباط و پیوند میان مباحث طرح شده در پژوهش‌های صورت گرفته با مسائل مردم و تسهیل شرایط فهم مباحث علمی برای عموم مردم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سیاست‌ها در تحول پژوهش‌های علوم انسانی تأکید شد.

محدودیت جذب عضو هیأت علمی در فراخوان اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱

در ابتدای جلسه دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، با سلام و درود بر پیامبر خاتم صلّٰا... علیه و آله و سلّم و اهل بیت علیهم السّلام، با تشریح فرایند جذب اعضای هیأت علمی در فراخوان اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ گفت: پس از دریافت و جمع‌بندی درخواست‌های جذب عضو هیأت علمی از سوی پژوهشگاه‌ها و مراکز پژوهشی پژوهشگاه و ارسال تقاضا به مرکز جذب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، با توجه به محدودیت‌های پدید آمده در زمینه جذب عضو هیأت علمی در همه دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، در فراخوان اردیبهشت ماه سال جاری امکان جذب تعداد ۶ نفر به پژوهشگاه اختصاص یافت که بسیار کمتر از درخواست ارسالی بود و این تعداد نیز به حسب ظرفیت و تعداد اعضای پژوهشگاه‌ها، به پژوهشگاه‌هایی اختصاص یافت که دارای کمترین عضو بودند. رئیس پژوهشگاه اظهار امیدواری کرد: در فراخوان آتی شرایط بهبود یافته و با جذب نیروهای شایسته و متعهد، کاستی‌های موجود در پژوهشگاه‌ها و مراکز از حیث نیروی انسانی مرتفع و زمینه فعالیت‌های هرچه بیشتر آنها فراهم شود.

ضرورت تعهد سازمانی نسبت به پژوهشگاه و اهتمام در حفظ منزلت آن

دکتر نجفی با اشاره به انتقاد مطرح شده در فضای مجازی نسبت به تصمیم‌های اتخاذ شده در جلسه شورای تحصیلات تکمیلی، متذکر شد: سیاست و رویکرد مسئولین پژوهشگاه همواره بر امکان طرح مسائل و انتقادات در چارچوب رعایت اخلاق و متناسب با جایگاه علمی و فرهنگی پژوهشگاه بوده است. براین اساس علاوه بر وظیفه مسئولین پژوهشگاه در دفاع از حیثیت و جایگاه پژوهشگاه در برابر نقدهای مطرح شده، اهتمام به ایجاد بستر مناسب برای امکان طرح دیدگاه‌های متفاوت یکی از ضروریات اساسی است که باید برای تحقق آن برنامه‌ریزی لازم صورت گیرد. اگر هر یک از اعضای پژوهشگاه نقد یا نظری درباره مسائل، تصمیمات و برنامه‌های پژوهشگاه داشته باشند،



می‌توانند در شورا یا نهاد مربوطه حاضر شده و دیدگاه‌ها و نظرات خود را با رعایت شئون اخلاقی و اعتقادی مطرح کنند.

رئیس پژوهشگاه تأکید کرد: پاسخ‌گویی در قبال مسئولیت‌ها و اعمال نیز از جمله موضوعات اساسی دیگری است که در این دوره برای مسئولین پژوهشگاه واجد اهمیت فراوان است و علاوه بر پاسخ‌گویی انسان‌ها در برابر خداوند متعال، هریک از مدیران و مسئولان پژوهشگاه باید در برابر تصمیمات و اعمال خود در برابر مردم و همکاران پژوهشگاه نیز پاسخ‌گو باشد و با رعایت این مسئله است که تعهد جدی نسبت به وظایف و اعمال افراد معنا خواهد داشت. دکتر نجفی با مهم دانستن تعصب نسبت به پژوهشگاه و ضرورت رعایت حرمت و حفظ جایگاه آن و دفاع از شأن و منزلت آن به‌عنوان یک تعهد سازمانی برای یکایک اعضای پژوهشگاه، متذکر شد: اگرچه رئیسین پیشین پژوهشگاه خدمات و زحمات درخور توجهی برای ارتقاء جایگاه پژوهشگاه انجام دادند، اما از اعضای پژوهشگاه نبودند و می‌توان انتقاداتی را بر برخی تصمیمات و سیاست‌های آنان مطرح کرد در حالی که اگر از داخل پژوهشگاه بودند شاید چنان تصمیمات و سیاست‌هایی را اجرایی نمی‌کردند.

بررسی و تصویب طرح‌نامه پیشنهادی رساله‌های دانشجویان مقطع دکتری

در ادامه جلسه شورا مطابق دستور جلسه مقرر، طرح‌نامه پیشنهادی رساله‌های دانشجویان دوره دکتری پس از بررسی و تبادل نظر اعضا، به تصویب رسید. ابتدا طرح‌نامه پیشنهادی آقای سید مرتضی فاطمی دانشجوی رشته علوم سیاسی از پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی بررسی شد که به پژوهش در زمینه ارتباط مباحث زیبایی‌شناسانه با مسائل سیاسی در سینما اختصاص داشت. سپس طرح‌نامه پیشنهادی سیمین دخت گودرزی، دانشجوی رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران از پژوهشکده زبان‌شناسی درباره ساختار قصه‌های سغدی و در پایان طرح‌نامه پیشنهادی بهمن بنی‌هاشمی، دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی از پژوهشکده زبان و ادبیات که به مسائل و مباحث علوم بلاغی زبان فارسی اختصاص داشت، مورد بررسی قرار گرفت.

در این بخش از جلسه شورا پس از حضور دانشجویان نامبرده در جلسه شورا و تشریح و دفاع از موضوعات پیشنهادی خود، به سؤالاتی که از سوی اعضای شورا مطرح شده بود، پاسخ دادند. براساس نظر اعضای شورا عناوین برخی از رساله‌ها اصلاح، و بر ضرورت منقح شدن طرح‌نامه‌های پیشنهادی به‌ویژه در بخش بیان مسئله،

اهداف اصلی و فرعی پژوهش، تعریف مفاهیم و ... تأکید و نکات پیشنهادی مورد نظر اعضا برای بازبینی در طرح‌نامه‌ها مطرح شد. با توجه به اهمیت ارتباط میان پژوهش‌های دانشجویان و موضوعات پیشنهادی با مسائل جامعه و برقراری ارتباط میان مردم با مسائل علمی از یکسو و ضرورت عمومی‌سازی و ترویجی‌سازی پژوهش‌های صورت گرفته توسط پژوهشگران و دانشجویان به‌ویژه در حوزه علوم انسانی به‌عنوان یکی از مسائل و چالش‌های اساسی در کشور، اعضای شورا بر لزوم برنامه‌ریزی شایسته توسط رئیسین پژوهشکده‌ها و مراکز پژوهشی در این زمینه تأکید کردند.

همچنین با توجه به ضرورت آشنایی دانشجویان با فرهنگ و تمدن ایران، مقرر شد برنامه‌ریزی لازم برای برگزاری یک درس در این زمینه با حضور همه دانشجویان رشته‌های مختلف پژوهشگاه به صورت مشترک از سوی مدیریت تحصیلات تکمیلی صورت پذیرد.



دیدار اعضای هیأت علمی پژوهشکده دانشنامه‌نگاری با رئیس و هیأت رئیسه پژوهشگاه

جلسه هیأت رئیسه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به دلیل بررسی وضعیت و ارتباط آن با دانشنامه‌نگاری، ۲۲ تیرماه، در محل این پژوهشکده تشکیل شد و پس از خاتمه این جلسه، اعضای هیأت رئیسه پژوهشگاه، با اعضای هیأت علمی پژوهشکده دانشنامه‌نگاری دیدار و نکات و مواردی را مطرح کردند.

طرح کلان ملی «استعمارشناسی»

دکتر نجفی در این نشست به طرح کلان ملی «استعمارشناسی» که در چارچوب طرح اعتلاء اجرا خواهد شد، اشاره کرد و گفت: این موضوع در شورای پژوهشی مطرح شد و پژوهشکده‌ها و گروه‌های مختلف تقاضا کردند تا در این طرح مشارکت کنند، در این جلسه اعلام شد، پژوهشکده دانشنامه‌نگاری و اعضای هیأت علمی این پژوهشکده نیز در صورت تمایل می‌توانند نسبت به تألیف دانشنامه «استعمار» اقدام کنند. پس از آن اعضای هیأت علمی پیشنهادهای درخصوص چگونگی تألیف این دانشنامه ارائه کردند.

تشکیل شورایی از دو بخش حقوقی و حقیقی

همچنین در این نشست مباحث مختلفی درخصوص روند اجرایی امور در پژوهشکده دانشنامه‌نگاری مطرح و پیشنهاد شد تا درخصوص تصمیم‌گیری راجع به سیاست‌های کلان این پژوهشکده، شورایی از دو بخش حقوقی و حقیقی تشکیل شود. بر اساس تصمیمی که در این جلسه گرفته شد، اعضای حقوقی این شورا با ترکیب؛ معاون پژوهشی، مدیر پژوهشی و رئیس پژوهشکده دانشنامه‌نگاری، معرفی شدند. همچنین مقرر شد از میان اعضای هیأت علمی پژوهشکده نیز سه نفر به‌عنوان اعضای حقیقی انتخاب شوند که درخصوص روند انتخاب این اعضاء تصمیم‌گیری شد، رئیس پژوهشکده دانشنامه‌نگاری، دکتر افراشی، پیشنهاد خود را پس از مشورت با اعضای هیأت علمی اعلام کنند.



در این جلسه دکتر افراشی درباره دانشنامه‌های سفارشی مراکز و مؤسسات بیرونی و نیز سرمایه‌هایی که از این طریق جذب پژوهشگاه علوم انسانی می‌شوند، گزارشی ارائه داد که دکتر نجفی درخصوص توان درآمدزایی پژوهشگاه دانشنامه‌نگاری مواردی را یادآور شد.

همچنین در پایان این نشست دکتر افراشی پیشنهاد کرد، بعد از تعطیلات یکی دیگر از جلسات هیأت رئیسه در ساختمان پژوهشگاه دانشنامه‌نگاری برگزار شود تا کارشناسان این پژوهشگاه نیز طی دیدار با اعضای هیأت رئیسه، نکات و پیشنهادات خود را مطرح کنند. این پیشنهاد مورد استقبال دکتر نجفی و اعضای هیأت رئیسه واقع شد.



مدیریت نشر آثار علمی پژوهشگاه خبر داد:

هفت عنوان جدید از مجموعه دانشنامه و کتاب منتشر می‌شود

بنا بر اعلام مدیریت نشر آثار علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی کتاب‌هایی در حوزه‌های تخصصی ادبیات فارسی، فلسفه، علوم اجتماعی، زبان‌شناسی و دانشنامه‌نگاری در دست انتشار قرار دارند و با توجه به اتمام مراحل آماده‌سازی آنها، مخاطبان و علاقه‌مندان به حوزه‌های یادشده بزودی می‌توانند نسبت به تهیه آنها اقدام نمایند.



این کتاب‌ها عبارت‌اند از:

۱. مجموعه دو جلدی «فرهنگ تاریخی زبان فارسی»، اثر استاد دکتر تقی پورنامداریان؛
 ۲. کتاب «سراج المنیر»، اثر دکتر علیرضا شعبانلو؛
 ۳. کتاب «انسان به مثابه ابژه»، اثر دکتر غلام‌حسین مقدم‌حیدری؛
 ۴. کتاب «شناخت‌گرایی؛ رویکردی به بین‌رشته‌ای شدن علوم انسانی»، اثر دکتر آزینا افراشی؛
 ۵. کتاب «نقش انجمن‌های علمی در گسترش علوم انسانی ایران»، اثر دکتر محمد منصورنژاد؛
- و مجموعه جدیدی از آثار دانشنامه‌ای که عبارت‌اند از:

۱. «دانشنامه آموزش‌های علمی - کاربردی»؛ اثر جمعی از مؤلفان و زیر نظر شورای علمی دانشنامه؛
۲. «دانشنامه مطالعات بین‌المللی ورزشی»؛ اثر جمعی از مترجمان و زیر نظر شورای علمی دانشنامه؛

همچنین این مدیریت برنامه‌ریزی لازم برای انتشار آثار دیگری از اساتید علوم انسانی را صورت داده که فرایندهای آماده‌سازی و انتشار آنها در حال انجام است و اطلاعات تکمیلی این آثار نیز در روزهای آینده اعلام خواهد شد.

چهارده عنوان از آثار در دست انتشار پژوهشگاه علوم انسانی، اعلام شد

مدیریت نشر آثار علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ضمن تبریک اعیاد مبارک قربان و غدیر، اعلام کرد، تعداد ۱۴ عنوان از کتاب‌های استادان با پی‌گیری و تلاش همکاران و دست‌اندرکاران انتشارات، آماده چاپ و نشر شده است.

معرفی آثار

۱. کتاب «دایرةالمعارف روان‌شناسی تربیتی» تألیف دکتر ژاسنت صلیبی؛
 ۲. کتاب «نشانه‌شناسی سکه‌های اشکانی» تألیف دکتر صفورا برومند؛
 ۳. کتاب «تحولات سبک زندگی در دوران خانواده دیجیتال» تألیف دکتر بهاره نصیری؛
 ۴. کتاب «کاربردسازی پژوهش‌های علوم‌انسانی و اجتماعی: رویکردها و راهکارها» تألیف دکتر الهام ابراهیمی؛
 ۵. کتاب «قطره‌ها» (شرح فارسی کتاب قطر الندی و بل الصدی اثر ابن هشام) (۲جلد) تألیف دکتر یدالله رفیعی؛
 ۶. کتاب «معناشناسی زیستی» تألیف دکتر آزیتا افراشی؛
 ۷. کتاب «نئولیبرالیسم و تأثیر آن بر علوم‌انسانی» تألیف دکتر عبدالله قنبرلو؛
 ۸. کتاب «تصویرپردازی هنری نکوهش دنیا در ده خطبه نهج‌البلاغه» تألیف دکتر زینه عرفت‌پور؛
 ۹. کتاب «فاز اول بودجه و سیاست‌های بودجه‌ای در ایران و فاز دوم بررسی آثار اقتصادی سیاست‌های هزینه‌های دولت در اقتصاد ایران و ارائه توصیه‌های سیاستی» تألیف دکتر جلال منتظری؛
 ۱۰. کتاب مربوط به طرح اعتلاء با عنوان «فروغ حکمت، بررسی سیر تفکر غرب از دیدگاه حکمت الهی» تألیف دکتر غلامرضا اعوانی؛
 ۱۱. کتاب مربوط به طرح اعتلاء با عنوان «رشته‌الهیات: فلسفه و حکمت اسلامی بررسی تاریخی، برنامه آموزشی، مهارت و کارآفرینی» تألیف دکتر طاهره کمالی‌زاده؛
 ۱۲. کتاب مربوط به طرح اعتلاء با عنوان «تغییر الگو از آموزش حافظه‌محور به یادگیری «کندوکاو محور» در آموزش عالی علوم‌انسانی ایران» تألیف دکتر روح‌الله کریمی؛
 ۱۳. کتاب مربوط به طرح اعتلاء با عنوان «مرور نظام‌مند و فراتحلیل مطالعات پژوهش‌های زبان‌شناسی درباره معیارهای زبانی و فرا ارزیابی مؤثر در تدوین کتب آموزشی» تألیف دکتر حوریه احدی؛
 ۱۴. کتاب مربوط به طرح اعتلاء با عنوان «تحلیل انتقادی سیر تحول مقوله‌های دانش‌های ادبی در برنامه درسی رشته‌های زبان و ادبیات فارسی از تأسیس دانشگاه تهران تا ۱۳۹۵» تألیف دکتر یوسف محمدنژاد؛
- این مدیریت اعلام کرد، سایر آثار استادان ارجمنند که در مراحل مختلف آماده‌سازی قرار دارند با تلاش‌های مجدانه همکاران به‌مرور چاپ و منتشر خواهند شد.

آدرس و نشانی نمایشگاه و فروشگاه کتاب‌های تخصصی علوم انسانی:

تهران، نرسیده به میدان هفت‌تیر، زیر پل کریمخان، بین خیابان ایرانشهر و سپهد قرنی، پلاک ۱۷۶

شماره تماس: ۰۲۱۸۸۳۱۷۱۹۲



یکصد و شصت دومین جلسه گردهمایی معاونین اداری، مالی و مدیران، مالی اداری مؤسسات پژوهشی





دیدار دکتر سیده حورا صدر (فرزند امام موسی صدر) با رئیس پژوهشگاه علوم انسانی



در انتخابات هیأت مدیره دوره هفتم انجمن زبان‌شناسی انجام شد: انتخاب سه عضو هیأت علمی پژوهشگاه به‌عنوان عضو اصلی انجمن

مجمع عمومی عادی سالیانه انجمن زبان‌شناسی ایران، در تاریخ دوم تیرماه در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد و در این جلسه، پس از حضور اکثریت اعضای پیوسته انجمن زبان‌شناسی ایران، ناظر جلسه و تشکیل هیئت رئیسه، شهین نعمت‌زاده، رئیس انجمن، گزارش فعالیت دوره ششم هیأت مدیره را ارائه کرد و گفت: در این دوره، به‌رغم مشکلاتی که همه‌گیری کرونا ایجاد کرد، فعالیت‌های انجمن عمدتاً به شکل مجازی ادامه یافت. در سه سال گذشته، انجمن پنج همایش ملی، سه جلسه نقد کتاب، بیش از ۱۰ جلسه سخنرانی، یک بزرگداشت و مسابقه هایکوکتاب برگزار کرده و برنده یک دوره جایزه دکتر مقدم را نیز اعلام کرده است. همچنین سه همایش ملی و ده‌ها کارگاه و سخنرانی نیز با همکاری و مشارکت دیگر دانشگاه‌ها برگزار شده است.



نعمت‌زاده از فعالیت‌های ویژه این دوره، تهیه برنامه راهبردی ده‌ساله انجمن، عضویت در مرکز بین‌المللی مطالعات اصطلاح‌شناسی (اینفوترم)، فراخوان جایزه دکتر ثمره برای نخستین بار و برگزاری سخنرانی بین‌المللی و تشکیل ۱۰ کارگروه تخصصی و برنامه‌ریزی برای مدرسه تابستانی ۱۴۰۱ را برشمرد. او همچنین از برخی مشکلات انجمن همچون مسائل مالی و مالیاتی و پرداخت نشدن حق عضویت‌ها و نداشتن دفتر مستقل سخن گفت. رئیس انجمن در ادامه بر ضرورت همکاری و حضور تمامی اعضای خانواده زبان‌شناسی در انجمن برای فعالیت پررونق‌تر تاکید کرد.

در ادامه، مسعود قیومی، بازرس انجمن، گزارش صورت‌های مالی سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ را ارائه کرد که به تصویب حاضران در جلسه رسید. سپس، روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی با اکثریت آرا، روزنامه اطلاعات اعلام شد.

فاطمه عظیمی‌فرد نیز به نمایندگی از هیأت مدیره، برنامه راهبردی انجمن (۱۴۰۱-۱۴۱۰) را برای اطلاع حضار ارائه کرد که مورد تصویب حاضران قرار گرفت. متن کامل این برنامه در وبگاه انجمن قابل دسترسی است. برای تحقق بندهای مختلف این سند، ضروری است برنامه‌های عملیاتی در انجمن تدوین گردد. مجمع عمومی قبل از انتخابات دو مصوبه دیگر هم داشت. شرکت‌کنندگان با افزایش حق عضویت به میزان ۵۰ هزار تومان برای اعضای وابسته (دانشجویان کارشناسی ارشد)، ۱۵۰ هزار تومان اعضای پیوسته (به جز اعضای هیئت علمی) و ۳۰۰ هزار تومان برای اعضای هیئت علمی از سال ۱۴۰۲ موافقت کردند. همچنین مصوب شد با ارسال درخواست به وزارت علوم، در مصاحبه دکتری رشته زبان‌شناسی و گرایش‌های وابسته، امتیازی به عضویت در انجمن زبان‌شناسی ایران اختصاص داده شود. در این مجمع برنامه مدرسه تابستانی سال ۱۴۰۱ در تاریخ ۱۶ و ۱۷ شهریور در شیراز اعلام شد.



در ادامه انتخابات هیأت مدیره هفتم برگزار شد که نتایج به دست آمده به قرار زیر است. از میان اعضای اصلی دکتر آزینا افراشی، دکتر مسعود قیومی و دکتر حوریه احدی از اعضای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی هستند.

اعضای اصلی

۱. دکتر آزینا افراشی
۲. دکتر سیامک صاحبی
۳. دکتر مسعود قیومی
۴. دکتر حوریه احدی
۵. دکتر دکتر احسان چنگیزی
۶. دکتر گلرخ سعیدنیا
۷. دکتر ماندانا نوربخش



اعضای علی البدل

۱. دکتر فریبا قطره
۲. دکتر بهزاد رهبر

بازرس

- بینا قوچانی (بازرس اصلی)
نیره جودی (بازرس علی البدل)



یادداشت به مناسبت روز پزشک:

تأملی در رابطه پزشکی و فلسفه نزد جالینوس و ابن سینا

علیرضا منجمی، دانشیار گروه فلسفه علم و فناوری، پژوهشگاه علوم انسانی



آنان که در ایران در حوزه فلسفه پزشکی به نظرورزی و پژوهش مشغولند بختیارند، زیرا بسیاری از فیلسوفان به نام ابن سرزمین همچون ابن سینا در عین حال پزشکان متبحری نیز بوده‌اند. از این رو، در بادی امر ارتباط فلسفه و پزشکی بدیهی به نظر می‌رسد، اما باید قدری درنگ کرد و نیازموده و سنسجیده آن را نپذیرفت. آیا به همان سیاق که ریاضی‌دان و شاعر بودن خیام را به پای ارتباط میان شعر و ریاضی نمی‌نویسند، نمی‌توان پزشکی را آن‌گونه که یکی از مورخان تاریخ علم دوره اسلامی می‌گوید، راهی برای ارتزاق فیلسوفان دانست؟ (۱). یا آنکه فیلسوف و پزشک بودن توأمان را صرفاً متوجه محدود بودن دانش در آن زمان و به آسانی فراگیری و خبره‌شدن در علوم مختلف نسبت داد؟ (۲). اگر چنین باشد پس سخن گفتن از ارتباط فلسفه و پزشکی آشکارا بی‌معناست.

در این نوشتار کوتاه می‌کوشم نشان دهم، ارتباط پزشکی و فلسفه، بنیادین و وثیق است و بهترین راه برای فهم این ارتباط، تأمل در آثار فیلسوف-پزشکانی است که کوشیده‌اند اشارات نظری دقیق از نحوه این تعامل به دست دهند و آن را تبیین کنند. جالینوس و ابن سینا را به عنوان دو نماینده برجسته چنین کوشش‌های نظری می‌توان برشمرد که هر کدام از منظری به این ارتباط و تعامل پرداخته‌اند. فلسفه و پزشکی (به عنوان دو دانش بشری) ارتباطی دیرپا داشته و تعاملی پویا و راهگشا را رقم زده‌اند. «ورنر یگر» در کتاب ارجمند «پایدیا» می‌گوید؛ نزد افلاطون، پزشک حامل دانشی تخصصی مبتنی بر روشی بسیار ظریف و در عین حال نماینده چنان اخلاق حرفه‌ای والایی است که می‌تواند سرمشقی مناسب برای ارتباط علم با هدفی عملی و اخلاقی باشد. از همین رو، پزشکی در یونان باستان به چنان جایگاهی دست یافت که می‌توان آن را یکی از مقومات ادب و فرهنگ یونانی دانست (۳). این رابطه در گذر زمان تا به امروز فراز و فرودهای بسیاری داشته است. پزشکی و فلسفه بسیار از هم آموخته و از مفاهیم، روش‌ها و شیوه‌های تفکر یکدیگر وام گرفته‌اند. این ارتباط چنان‌که تصور می‌شود یک‌سویه و همواره از سمت فلسفه به سوی پزشکی نبوده است (۴ و ۵).

الگوی جالینوس

جالینوس بر این باور بود که پزشکی متبحر، فیلسوف هم هست. در اینجا مراد وی از فلسفه، منطق و اخلاق است. منطق، یاری‌رسان پزشکی است برای رسیدن به تشخیص دقیق و مناسب. این کار مستلزم قضاوت بالینی است که از جنس کاربست دانش عام در یک مورد خاص محسوب می‌شود. از سوی دیگر، فلسفه در قامت اخلاق نقش مؤثری در طبابت ایفا می‌کند چراکه رابطه پزشکی و بیمار را سامان می‌دهد (۶-۸).

مرزبندی با مکاتب پزشکی دیگر که در عصر جالینوس حاضر بودند، یکی دیگر از نقش‌هایی است که فلسفه در پزشکی از منظر جالینوس ایفا می‌کند. جالینوس از یک‌سو منتقد تجربه‌گرایان است که به تجربه صرف، فارغ از منطق و فلسفه، باور دارند. از سوی دیگر، او روش‌گرایان را بابت اعتقاد به‌نظروورزی فارغ از تجربه و پزشکی فلسفی موردانتقاد جدی قرار می‌دهد. مخالفت جالینوس با پزشکی فلسفی از آن‌روست که به عقیده او نظریه‌های پزشکی باید در بوته تجربه راستی‌آزمایی شوند. سوبه دیگر مخالفت جالینوس با پزشکی فلسفی به ارتباط دانش نظری و عملی در پزشکی از منظر او برمی‌گردد. او معتقد است فراگرفتن دانش نظری پزشکی برای طبابت کافی نیست، بلکه باید آن دانش را در طبابت به‌کار گیریم که این مهم نیازمند فلسفه (به‌مثابه قوه داوری و قضاوت) است. به‌بیان‌دیگر از دیدگاه جالینوس برای به‌کارگیری دانش نظری در عمل، به فلسفه نیازمند نیازمندیم.

جالینوس به شرح تفاوت فلسفه و پزشکی هم پرداخته است. او می‌گوید، باوجود اختلاف‌نظر بسیار میان فلاسفه، اختلاف‌نظر میان پزشکان قابل‌رفع و رجوع است. در فلسفه جای شگفتی نیست اگرچه بسیاری از اختلاف‌نظرها هیچ‌گاه حل نشوند، چون موضوعات موردبحث با آزمون‌های تجربی ارزیابی نمی‌شوند و حل اختلاف‌نظر فلاسفه با رجوع به ادراک حسی پذیرفته نیست. در مقابل، در پزشکی، اثبات اینکه دارویی برای بدن ضرر دارد یا نه با آزمون تجربی میسر و پذیرفته است و با انجام دادن آن آزمون اختلاف‌نظر پایان می‌یابد.

الگوی ابن‌سینا

ویژگی برجسته الگوی ابن‌سینا برتری دادن فلسفه به پزشکی است. او با به‌کار بستن نظام فلسفی ارسطویی در پی تعریف مبانی پزشکی و سازمان‌دهی دانش آن است (۹-۱۰). ابن‌سینا نقش فلسفه در قضاوت بالینی و اخلاق در ارتباط پزشکی و بیمار را وامی‌گذارد و بیشتر به نقش فلسفه در ساخت معرفت پزشکی می‌پردازد. این مبانی معرفت‌شناسانه هم ناظر به جایگاه پزشکی در طبقه‌بندی علوم است و هم به ارتباط تجربه، طبیعیات و نظریه پزشکی توجه دارد. گوتاس ساختار دانش پزشکی از منظر ابن‌سینا را در چهار مرتبه یا سطح تعریف می‌کند:

اول «نظریه نظریه پزشکی» که به معنای ابتدای نظریه پزشکی است بر طبیعیات (به تعبیر امروزیین شامل فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی) و بالتبع خارج از حوزه پزشکی. دوم «نظریه پزشکی بماهو پزشکی» است یعنی بخش نظری صنعت یا فن پزشکی است که مبتنی بر شرح نظرات پیشینیان است. سوم «نظریه عمل» که شرح آرای گذشتگان در کاربرد علم پزشکی است و چهارم خود «عمل» است یعنی مشاهده، تجربه و ادراک حسی (۱۱-۱۳). باید توجه داشت با برآمدن پزشکی عقلانی در یونان، پزشکی نه علمی نظری بلکه نوعی صنعت (تخنه) محسوب می‌شد که از رهگذر رابطه استاد-شاگردی فراگرفته می‌شد. ابن‌سینا در طبقه‌بندی علوم، فلسفه را به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌کند. فلسفه عملی شامل اخلاق، سیاست و تدبیر منزل است. فلسفه نظری به مجموع فیزیک، ریاضیات و متافیزیک اطلاق می‌شد و فیزیک هم به دو بخش اصلی (شیمی، علم‌النفس،) و فرعی (پزشکی، سحر و...) او بعدها در مقدمه منطق‌المشرفیه، پزشکی را تنزل درجه داد و آن را در ردیف کشاورزی و نجوم قرار داد. ابن‌سینا پزشکی را شاخه‌ای از دانش حرفه‌ای همچون کشاورزی می‌دانست که به سهولت قابل‌مطالعه و فراگیری است (۱۱). از همین‌رو، وی برای فلسفه نقشی بسیار فراتر و بالاتر از پزشکی قائل بود. این درک از جایگاه پزشکی گرچه برخاسته از یونان باستان است و در پایدیای ورنر یگر هم به آن اشاره شده است، ولی با آنچه جالینوس مدنظر داشت، فاصله دارد.

تأملات ابن‌سینا در مبانی پزشکی را فخر رازی پی گرفت. او در کتاب «شرح مشکلات قانون» به توضیح و نقد مبانی طب از منظر ابن‌سینا پرداخته و نشان می‌دهد تأمل در چیستی پزشکی هم به‌کار پزشکان می‌آید و هم مردم. او در این کتاب می‌کوشد با فلسفه‌ورزی در باب مبادی نظری طب و اتخاذ موضعی انتقادی سرشت پزشکی را بفهمد و از این رهگذر راهی برای آموزش طبابت به پزشکان بگشاید (۱۴).

مؤخره

باری، در روزگار ما که فیلسوفان به فلسفه‌ورزی خود مشغول‌اند و پزشکان به طبابت، اختصاص روزی به بزرگداشت مقام ابن‌سینا می‌تواند تذکری باشد برای آنکه در ربط و نسبت فلسفه و پزشکی بیشتر تأمل کنیم؛ چرا که بسیاری از مسائل سلامت کشور از رهگذر تأملاتی این‌چنین ابتدا صورت‌بندی و فهم می‌شوند و سپس می‌توان تدابیری برای آنها اندیشید. پژوهش در ارتباط فلسفه و پزشکی از آن رو که امری میان‌رشته‌ای است اهتمام بسیار می‌طلبد. تأمل در این مغفول‌ماندگی و درافکندن این پرسش که چرا فلسفه‌ورزی در پزشکی به‌عنوان عاملی مؤثر در طبابت و مراقبت از بیماران چندان جدی گرفته نشده است، می‌تواند نقطه عزیمت باشد.

منابع

- 1- Huff, T. E. (۲۰۰۳). *The Rise of Early Modern Science: Islam, China and the West*, Cambridge: Cambridge University Press, pp ۴۷-۸۹.
- ۲- داوری اردکانی، رضا. (۱۳۹۱). *ضرورت پزشکی در شهرهای بزرگ*، ۶۶-۶۷، صص ۱۳۰-۱۳۲.
- ۳- یگر، ورنر. (۱۳۷۶) پایدیا، مترجم محمدحسن لطفی، تهران: انتشارات خوارزمی، جلد دوم، ۵۶۸-۶۱۸.
- ۴- Nussbaum, M. C. (۱۹۹۴). *The Therapy of Desire: Theory and Practice in Hellenistic Ethics*, New Jersey: Princeton University Press.
- ۵- Longrigg, J. (۱۹۹۳). *Greek Rational Medicine. Philosophy and medicine from Alcmaeon to the Alexandrians*. London and New York: Routledge.
- ۶- Nutton, V. (۲۰۲۰). *Galen, A thinking doctor in imperial Rome*, New York: Routledge.
- ۷- Hankinson, R. J. (۲۰۰۸). *Philosophy of nature*, in R.J Hankinson (ed) *The Cambridge companion of Galen*, Cambridge: Cambridge University Press, pp ۲۱۰-۲۴۲.
- ۸- Nutton V. *Ancient medicine*، ۲۰۱۳، London and New York: Routledge.
- ۹- شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا (۱۳۷۰). *قانون در طب*، ترجمه عبدالرحمن شرف‌کندی، تهران: انتشارات سروش.
- ۱۰- شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا (۱۳۷۰). *قانون در طب*، ترجمه علیرضا مسعودی، کاشان: مرسل.
- ۱۱- Gutas, Dimitri. "Medical Theory and Scientific Method in the Age of Avicenna." In *Before and After Avicenna*, edited by David C. Reisman, Leiden: Brill, ۲۰۰۳, pp ۱۴۵-۱۶۲.
- ۱۲- Gutas, Dimitri. "The Empiricism of Avicenna," *Oriens* ۴۰ (۲۰۱۲): ۳۹۲-۴۳۶.
- ۱۳- Pormann, P. E. (۲۰۱۳). *Avicenna on medical practice, epistemology, and the physiology of the inner senses* in Peter Adamson (ed), *Interpreting Avicenna: Critical Essays*, pp ۹۱-۱۰۹.
- ۱۴- فخرالدین محمد بن عمر الرازی. (۱۳۹۶). *شرح مشکلات کتاب القانون*، تصحیح نجفقلی حبیبی، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.



یادداشت به مناسبت عید سعید غدیرختم:

میراث پدر، تبارشناسی یک رویداد (نامه محمد بن ابوبکر به معاویه بن ابوسفیان)

سیدمحمد رحیم ربانی زاده، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



دکتر سیدمحمد رحیم ربانی زاده، رئیس پیشین مرکز تحقیقات امام علی(ع) و رئیس فعلی پژوهشگاه مطالعات قرآنی پژوهشگاه، یادداشتی به مناسبت عید سعید غدیرختم نوشته است که از نظر تان می گذرد: این نوشتار به تحلیل و تفسیر نامه‌ای می پردازد که مورخان اسلامی مانند (بلاذری در انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۹۳) و (مسعودی در مروج الذهب، جلد دوم، ص ۱۵) به شکل کامل نقل کرده‌اند اما محمدبن جریر طبری در بیان وقایع سال ۳۸ هجری و ابن اثیر (که همه مطالب خود را تا سال ۳۰۲ هجری بر پایه تاریخ طبری تنظیم کرده) نسبت به این نامه‌ها به اشاره اکتفا کرده و آورده‌اند که نامه‌ها را شایسته نقل ندیده‌اند زیرا عامه مردم قادر بر هضم و تحمل آنها نمی‌باشند. (۱)

در این نوشتار سعی کرده‌ام اساس و پایه بحث را بر متن بلاذری و مسعودی بنا کنم. امام علی هنگامی که قیس بن سعد بن عباده را از حکومت مصر برداشت محمد بن ابی بکر را به جای او فرستاد. محمد پس از رسیدن به مصر نامه‌ای به معاویه نوشت. وی در نامه خود به معاویه، به دفاع از حضرت علی(ع) و حق ولایت او و به تخطئه معاویه و ناحقی او می پردازد و با استفاده از لفظ «منحرف» و «لعین ابن لعین» درباره معاویه، ابتدا در خصوص لزوم اطاعت دینداران و مومنان از ولایت الهی سخن می‌راند و با اشاره به سبقت علی(ع) در امثال رسالت و خدمات آن حضرت در راستای حمایت از رسول خدا، توطئه‌های معاویه و پدرش را در حق علی(ع) نکوهش می‌کند. (۲)

معاویه خطاب به محمد ابن ابی بکر پاسخی داده و در آن به دفاع از خود می‌پردازد اما استدلال معاویه حاوی سه نکته است: نخست این که به حق حضرت علی(ع) و تقدم او بر دیگران برای جانشینی تصریح می‌کند و دوم این که مسبب شکل‌گیری جریان ابی بکر را که مانع تحقق جانشینی علی شد پدر محمد ابن ابی بکر، یعنی ابوبکر (خلیفه اول) و عمر می‌داند که باعث شدند این حق از علی سلب شود. نکته سوم در نامه معاویه این است که حکومت معاویه بر شام نیز محصول شیوه مدیریتی ابوبکر است که این منصب را به آنان بخشید. بنابراین معاویه به محمد ابن ابی بکر طعنه می‌زند که اگر کسی لایق این باشد که برای مانع شدن علی از جانشینی پیامبر(ص) سرزنش شود همانا پدر او، ابوبکر، است که این شیوه را بنا نهاد و آنچه محمد ابن ابی بکر به آن انتقاد دارد میراثی است که از پدرش به جا مانده است. معاویه به محمد ابن ابی بکر توصیه می‌کند که اگر باید از کسی برای حق علی عیب‌جویی کند همانا آن شخص کسی جز پدر او نیست:

«از معاویه پسر صخر بسوی نکوهشگر پدر خویش محمد ابن ابی بکر، اما بعد نامه تو به من رسید که در آن از عظمت و قدرت و سلطنت خدا که شایسته آنست و انتخاب پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم و علی آله سخن گفته بودی با سخنان دیگر که مایه ضعف تو و تحقیر پدر تو است از فضیلت پسر ابو طالب و سوابق قدیم و قرابت او با پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم و اینکه بهنگام خوف و خطر در قبال او جانبازی میکرده است، سخن گفته بودی و این محاجه و عیب جوئی که بر ضد من کرده ای بفضیلت دیگرانست نه فضیلت تو، و من خدائی را که این فضیلت را از تو گرفت و بغیر تو داد ستایش می کنم.» (۳)

معاویه در ادامه نامه به نکته جالب توجهی اشاره می کند و به محمد بن ابی بکر یادآوری می کند: «من و قدرت فضیلت و حق پسر ابو طالب را لازم و مسلم می داشتیم و چون خداوند وعده خویش را با پیامبر علیه الصلاة و السلام بسر برد و حجت خویش آشکار کرد و او صلوات الله علیه را به جوار خویش برد، پدر تو و فاروقش (عمر) اول کس بودند که حق وی بگرفتند و با وی خلاف کردند و بر این کار هم دل و هم سخن بودند و او را به بیعت خویش خواندند. او دریغ ورزید و کوتاهی کرد و با وی سختی ها کردند و قصدی بزرگ داشتند آنگاه وی بیعت کرد و تسلیم شد، ولی آنها وی را در کاری شرکت ندادند و براز خویش واقف نکردند، و سومین آنها عثمان نیز از روش و رفتارشان پیروی کرد ...» (۴)

با نظر به این زمینه تاریخی است که معاویه در نامه خطاب به محمد ابن ابی بکر می گوید، تو با کسی مخالفت می کنی که قدرت زمینه حکومت او را فراهم کرده است. معاویه در ادامه نامه می گوید، اگر کار ما نادرست باشد این نادرستی را نیز باید به کسی نسبت داد که این بنا را نهاده و او کسی جز قدرت ابوبکر نیست: «قدرت (ابوبکر) راه او (معاویه) را هموار کرده، و پایه حکومت او را نهاده.» (۵)

موضوعی را که معاویه در خصوص تثبیت جایگاهش در شام و در نهایت ادامه حکومت امویان به آن اشاره می کند به گزارش منابع تاریخی، با واقعیت تطبیق دارد. ماجرا به این صورت بوده است که پس از واقعه سقیفه، زمانی که ابوبکر به خلافت رسید در حکمی خالد بن سعید بن عاص را به عنوان حاکم منطقه شامات انتخاب کرد. (۶) خالد بن سعید از حامیان علی ابن ابی طالب بود. این انتخاب در شرایطی صورت می گرفت که علی ابن ابی طالب و نیز تعدادی از صحابه مانند طلحه، زبیر، سهل ابن حنیف، عثمان ابن حنیف با ابوبکر بیعت نکرده بودند. در واقع خالد ابن عاص تنها اموی بود که در جناح علی بود و از ایشان حمایت می کرد. به همین دلیل عمر به ابوبکر در خصوص سپردن حکم فرماندهی شام به خالد بن سعید بن عاص اعتراض کرد. (۷) عمر با یادآوری امتناع اولیه خالد از بیعت با ابوبکر و باور خالد به شایستگی علی برای رهبری مسلمانان پس از پیامبر باعث تغییر حکم خالد و نصب یزید بن ابوسفیان به جای وی شد. (۸)

پس از انتصاب یزید، ابوسفیان با ابوبکر بیعت کرد. از همین زمان بنی امیه رسماً وارد ساختار قدرت شدند. یزید بن ابی سفیان حاکم شام بود تا اینکه در زمان خلیفه دوم از دنیا رفت، پیکی خبر درگذشت یزید را برای عمر آورد، و عمر به واسطه همان پیک معاویه را به عنوان حاکم کل شام انتخاب کرد. برخی منابع گفته اند که پس از نصب معاویه بود که ابوسفیان، به خلیفه دوم گفت که صلح رحم انجام دادی، حق برادری در قبال ما انجام دادی که فرزند مرا به عنوان حاکم شام انتخاب کردی. (۹)

... و اینچنین بود که بنای شکل گیری حکومت معاویه در زمان خلیفه اول و دوم تثبیت شد. معاویه نیز در ادامه نامه به محمد بن ابی بکر همین مطلب را گوشزد می کند:

«اگر آنچه ما می کنیم درست است، قدرت این حکومت گرفت و ما شرکای اویم. اگر پدر تو چنان نکرده بود، ما خلاف پسر ابو طالب نمی رفتیم و تسلیم او می شدیم. ولی دیدیم که پدر تو پیش از ما با وی چنان رفتار کرد، ما نیز تبعیت او کردیم. پس هر چه خواهی عیب جوئی پدر خود کن یا از این کار دست بدار، والسلام علی من اتاب.» (۱۰)

واکاوی سخنان معاویه با توجه به وقایع تاریخی حاوی نکات مهمی است. در این واکاوی لازم است دو چیز را مجزا در نظر گرفت: حقیقت و واقعیت. در این که سخنان معاویه حقی را به لحاظ سنت شرعی برای او اثبات نمی کند، شکی نیست اما، در این که این سخنان او در بردارنده واقعیت باشد نیز جای انکار تاریخی نیست. معاویه در نامه خود به برتری علی (ع) و حق جانشینی او اشاره دارد و حقی را در خصوص او ثابت می کند. بنابراین، به طور سلبی اثبات حق برای خود در امر غصبی را ناممکن ساخته اما در عین حال واقعیت وقایع را روشن ساخته است. زیرا واکاوی بستر تاریخی و واقعی که سخنان معاویه نیز به آن تکیه دارد، بر اساس مراجعه به تاریخ، نشان می دهد که به راستی نیز زمینه حکومت امویان بر شام ریشه در تصمیم خلیفه اول و دوم دارد. (۱۱)

پی‌نوشت‌ها

۱. ابن‌اثیر، عزالدین علی، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، علمی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۰، ص ۳۴
۲. از محمد بن ابو بکر به معاویه بن صخر گمراه، اما بعد خدا با عظمت و قدرت خود خلق را به اقتضای حکمت آفرید و قوت او سستی نیافت و حاجتی به خلقت مخلوق نداشت، ولی آنها را آفرید تا بندگی کنند و آنها را گمراه و هدایت یافته و بدبخت و نیک‌بخت کرد، آنگاه از روی دانش، از میان آنها محمد (ص) را برگزید و انتخاب و اختیار کرد و از روی علم خویش برگزید و به رسالت خود انتخاب کرد و امین وحی خویش کرد و فرستاده و بشارت‌آور و بیم‌رسان قرار داد اول کس که پذیرفت و اطاعت کرد و ایمان آورد و تصدیق کرد و تسلیم شد و اسلام آورد برادر و پسر عمش علی بن ابی طالب بود، که غیب را تصدیق کرد و او را بر همگان ترجیح داد و با جانبازی خویش او را از هر خطر مصون داشت و با دشمنانش جنگ کرد و با دوستانش دوستی کرد و همچنان شب و روز و هنگام ترس و گرسنگی به جانبازی ایستاد، که حق سبقت وی مسلم شد و میان تابعان نظیر و همسنگ نداشت و تورا می‌بینم که بر او تفوق می‌جوئی، اما تو همانی که هستی و او از همه مردم پاک‌نیت‌تر و فرزندانش از همه بهتر و همسرش از همه نکوتر و پسر عمش از همه برتر است. برادرش همانست که روز موته جانبازی کرد و عمویش همانست که روز احد پیشوای شهیدان بود. پدرش حامی پیمبر خدا (ص) بود. اما تو ملعون پسر ملعونی. تو و پدرت پیوسته برای پیمبر خدا کارشکنی کردید و همی کوشیدید که نور خدا را خاموش کنید در این راه دست‌بندی‌ها کردید و مال‌ها خرج کردید و قبیله‌ها را بر ضد او برانگیختید. پدرت بر این روش مرد و تو در این کار جانشین او شدی و باقیمانده احزاب و سران نفاق که پستی کرده و به‌تو پناه آورده‌اند، شاهد این سخنند، و شاهد علی که فضیلت قدیم او روشن است یاران وی‌اند، از مهاجر و انصار که خدا به‌فضل خود یادشان کرده و ثنایشان گفته و دسته‌دسته همراه وی‌اند و حق را در تبعیت او و سیه‌روزی را در خلاف او می‌دانند. وای بر تو! چگونه خویشتن را هم‌سنگ علی می‌کنی که او وارث و وصی رسول خدا صلی‌الله‌علیه و سلم و پدر فرزند اوست و نخستین پیرو او بوده و از همه به او نزدیکتر بوده و پیمبر راز خویش با او گفته و کار خویش را به او خبر داده، اما تو دشمن و پسر دشمن اوئی. هر چه توانی در این دنیا از ناحقی خویش بهره بگیر و پسر عاص تو را در گمراهیت فرو برد، گوئی مدت تو سر رسیده و حیل‌هات سستی گرفته. آنگاه بر تو معلوم خواهد شد که سرانجام والا از آن کیست ... بدان که تو با خداوند که از فکرش ایمن و از رحمتش نومید شده‌ای مکاری می‌کنی، او در کمین توست و تو درباره او به‌غرور افتاده‌ای! والسلام علی من اتبع الهدی.»
۳. بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر، کتاب جمل من انساب الأشراف، البلاذری تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ط الأولى، ۱۹۹۶/۱۴۱۷. ج ۲، ص ۳۹۳ به بعد، چاپ زکار، ج ۲، ص ۶۶۵
۴. مسعودی، أبوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ پنجم، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۱۸
۵. مسعودی، ج ۲، ص ۱۶؛ بلاذری، ج ۲، ص ۳۹۶
۶. مسعودی، ص ۱۷
۷. ابن قتیبه، دینوری، ۱۹۸۷، الامامه و السياسه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۱، ص ۲۳
۸. ابن قتیبه، همان، ص ۲۴
۹. طبری، محمد بن جریر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، چ پنجم، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۲۷۶۹
۱۰. همان
۱۱. مسعودی، أبوالحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ پنجم، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۱۸.

هرات، بررسی آثار باستانی و تاریخی از دوره تیموریان تا تشکیل کشور مستقل افغانستان

مرکز اسناد فرهنگی آسیا ۱۵ تیرماه، نشست تخصصی با محور معرفی و نقد کتاب «هرات، بررسی آثار باستانی و تاریخی از دوره تیموریان تا تشکیل کشور مستقل افغانستان» برگزار کرد. در این نشست که با حضور مریم مهدوی اصل مؤلف کتاب ارائه شد، سخنرانان نیز دعوت شدند که هر یک با توجه به تخصص خود به مباحث کتاب و چگونگی تدوین آن اشاره کردند. نخست دکتر الهام ملک‌زاده، عضو هیأت علمی پژوهشگاه تاریخ و مدیر این نشست به معرفی مرکز اسناد فرهنگی آسیا، اهمیت این مرکز و جایگاه علمی آن و توضیحاتی با محور شهر هرات و جایگاه آن در فرهنگ و تمدن اسلامی پرداخت. وی خاطر نشان ساخت مرکز اسناد فرهنگی آسیا، از قدیمی‌ترین و در نوع خود تنها نهاد پژوهشی بین‌المللی با محوریت مطالعات منطقه و آسیا در ایران است. مأموریت مرکز اسناد فرهنگی آسیا بر مبنای بنیاد نامه مصوب این مرکز «شناسایی و شناساندن فرهنگ آسیا به جهان و به دیگر کشورهای آسیایی» است. با توجه به بحران‌های فرهنگی در هم تنیده شدن معضلات جوامع انسانی، اهمیت و نقش کشورهایی که دارای چهار شاخص منابع، فرهنگ و تاریخ، استعداد و تحرک اجتماعی، چون ژاپن، چین، هند و ایران بارزتر شده است. اهداف مرکز اسناد فرهنگی آسیا و وظایف مرتبط با آن حول پژوهش‌های کلان و فعالیت‌های تحقیقی منطقه‌ای و ملی بر اساس دو راهبرد اصلی شکل گرفته است که در بخش نخست آن یعنی «حوزه ایران تمدنی-فرهنگی و مواریت مکتوب و شفاهی»، با محور حوزه تمدنی شمال شرقی ایران و فرا رودان (ماورالنهر) با تأکید بر اشتراکات تاریخ فرهنگی در منطقه خراسان ایران، افغانستان، ازبکستان و ترکمنستان، سلسله برنامه‌های پژوهشی مختلفی پیش‌بینی و طراحی شده است که نشست حاضر در همین راستا برگزار شده است.

مریم مهدوی اصل مؤلف کتاب «هرات؛ بررسی آثار باستانی و تاریخی از دوره تیموریان تا تشکیل کشور مستقل افغانستان»، به‌عنوان آغازگر نشست و نخستین سخنران، به تفصیل درخصوص چگونگی توجه به موضوع کتاب

و روندی که به تدوین و تألیف آن منجر شد پرداخت. وی گفت این کتاب سفرنامه‌ای است که برخلاف سفرنامه نویسی‌های رایج و شناخته شده در دوره‌های تاریخی و معاصر، برپایه اسناد وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به نگارش درآمده است. تمرکز اصلی در این سفرنامه نویسی علمی بر پایه ۲ محور بررسی چرایی و چگونگی تخریب آثار باستانی و تاریخی ایران در هرات پس از نزدیک به ۲۰۰ سال جدایی و همچنین فارسی‌زدایی در این منطقه است. در محور نخست، طبق بررسی میدانی و تحقیقات تاریخی و اسنادی و همچنین عکس‌ها و نقاشی‌های تاریخی در محور نخست که بررسی آثار باستانی و تاریخی است این نتیجه حاصل شد که درصد بسیار زیادی از آثار تاریخی ایران پس از جدایی هرات توسط حاکمان افغانستان و در چندین مرحله از بین رفته است. مجموعه آثار معماری، نقاشی، خطاطی، تذهیب و ... هنرمندان به نام ایران در عصر تیموریان از جمله: قوام‌الدین شیرازی از معماران برجسته و بهزاد استاد مشهور هنر نقاشی و ... که اگر این آثار تاریخی از بین نرفته بودند می‌توانستند ادامه‌دهنده آثار تاریخی ایران در سمرقند دوره تیمور گورکانی و همچنین نشان دهنده چگونگی روند تکامل آثار تاریخی ایران در اصفهان توسط شاه‌عباس صفوی باشند.



اما در نهایت تأسف بخشی از هویت ملی ایران در این تخریب به کلی از بین رفته و برای هنرمندان معاصر کاملاً ناشناخته باقی مانده و خواهد ماند. محور دوم متمرکز بر سیاست فارسی‌زدایی در افغانستان توسط حاکمان این کشور است. در این بخش نیز بررسی و تحقیق‌های انجام شده، بر اساس اسناد وزارت امور خارجه بوده است. در این بخش نیز در کنار همه مطالعات انجام شده، این نتیجه حاصل شد که نه تنها تحریف تاریخ افغانستان توسط انگلستان (از ابتدای تاسیس کشور افغانستان)، امروزه تبدیل به باور عمومی مردم افغانستان شده، بلکه این تحریف تاریخی به کتاب‌های چاپ شده نویسندگان افغانستان در داخل ایران هم انجامیده که نیازمند بررسی قانونی و جلوگیری از ادامه آن در ایران است. در نهایت اینکه برای نگارش این سفرنامه علمی، از سه دوره اسناد قاجار، پهلوی اول و پهلوی دوم استفاده شده است. این در حالی است که هنوز جای کار بسیار زیادی برای محققین و پژوهشگران علاقمند وجود دارد. ضمن اینکه در این کتاب به زوایای گوناگون سیاست خارجی و دیپلماسی توسط دو قدرت بزرگ جهان یعنی انگلستان و روسیه هم پرداخته شده که در راستای دست یافتن به اسناد آثار تاریخی ایران در هرات بوده است.



سخنران دوم نشست، دکتر سید محمد کاظم سجادیپور استاد روابط بین‌الملل و عضو هیأت علمی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه و دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران بود. عنوان سخنرانی ایشان: نسبت کتاب «هرات؛ بررسی آثار باستانی و تاریخی از دوره تیموریان تا تشکیل کشور مستقل افغانستان» با پژوهش‌های سیاست خارجی ایران چگونه قابل تجزیه و تحلیل است؟ دکتر سجادیپور سخنان خود را در سه محور چنین ارائه کرد:

۱. «منش پژوهشی» نویسنده کتاب که تمرکز روی شخصیت و کار ایشان دارد. در واقع مریم مهدوی در این کتاب یک نوع علاقه مندی، تخصص و مهمتر از همه تحول پژوهشی را نشان داده‌اند که به‌طور اختصاصی تمرکز روی «اسناد وزارت امور خارجه» دارد.

۲. «مسیر پژوهش» که مسیری مبتنی بر مطالعه، مشاهده، مصاحبه و بهره‌برداری از افرادی است که در حوزه‌های اجرایی سیاست خارجی اثرگذار هستند. در واقع ایشان در این کتاب مبادرت به انجام «تحقیق میدانی» کردند که هرچند از ایرادات و نواقصی هم برخوردار است اما مهم‌تر از نتیجه‌ای که در این کتاب به‌دست آمده، مسیری است که پژوهشگر در کار پژوهشی کتاب طی کرده است.

۳. «محتوای پژوهش» که عبارت از سه نکته است:

الف) اهمیت مسائل سیاست خارجی است که ایران به‌دلیل موقعیت جغرافیایی خاصی که دارد و آن را تبدیل به کشوری «دروازه‌ای» یا «چهار راهی» کرده است و البته همراه با موقعیت تاریخی، تمدنی و همچنین مباحث سیاسی و استراتژیک در واقع سیاست خارجی همیشه برای کشور ما مهم بوده و هست.

بنابراین اثر مباحث سیاست خارجی همیشه بر ابعاد مختلف زندگی مردم ایران قابل مشاهده است چنانچه در این کتاب یکی از اثرات سیاست خارجی تأثیرگذاری بر بقایای آثار باستانی و معماری و هنر ایران در طی قرون گذشته تا به امروز است که در این کتاب به تصویر درآمده است.

ب) اهمیت بین‌رشته‌ای بودن مطالعات سیاست خارجی است. سیاست خارجی یک پدیده «چندوجهی» و «چندبعدی» است.

بنابراین روش مطالعه سیاست خارجی هم باید روشی «بین رشته‌ای» و با بهره‌برداری از انواع متدولوژی‌های مطرح در رشته‌های مخصوصاً علوم انسانی و اجتماعی مانند متدولوژی‌های مختلف تاریخ، جغرافیا، اقتصاد، تمدن، فرهنگ، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ... باشد.

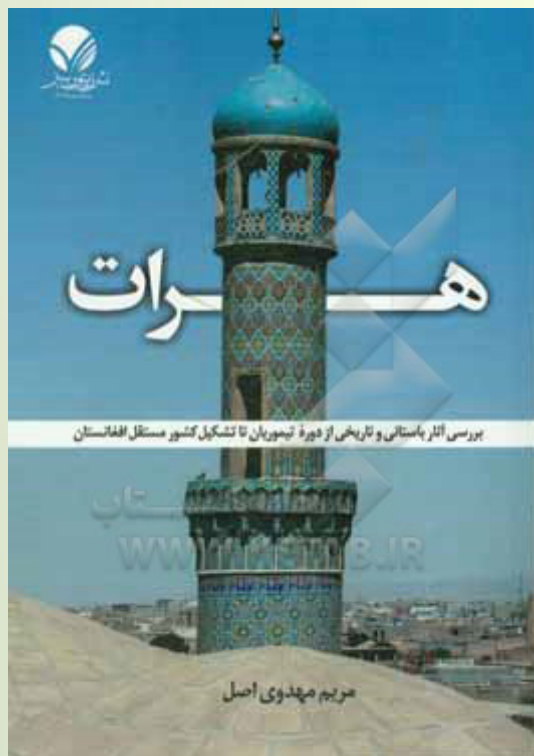
بنابراین این کتاب تا حدودی توانسته است این کار را انجام بدهد. یعنی با نشان دادن عکس و تصویر، تاریخ، معماری و ... نه تنها نشان داده که تاریخ به تنهایی مهم نیست، بلکه نشان داده که نحوه روایت تاریخ یا تاریخ‌سازی هم مهم است. ضمن اینکه به مسئله سیاست‌های ایران هم پرداخته شده است.

ج) فراتر از همه اهمیت ژئوپلیتیک شرق ایران است. طی قرون گذشته بیشتر تمرکز و انرژی سیاست خارجی ایران روی مسائل حوزه‌های ژئوپلیتیک غرب کشور بوده و کمتر به اتفاقات و رویدادهای تأثیرگذار شرق کشور توجه شده است که در این کتاب تا حدودی به آن پرداخته شده است.

بنابراین توجه به زندگی روزمره مردم ایران و تحولات درهم آمیخته زندگی ایرانی‌ها و مسائل مربوط به حوزه ژئوپلیتیک شرق کشور طی قرون گذشته تا به امروز در سیاست خارجی از اهمیت برخوردار است. چرا که به نظر من؛ ما یک هم‌سرنوشتی باهم داریم که چه بخواهیم و چه نخواهیم روی زندگی روزمره و سرنوشت هم‌دیگر اثر می‌گذاریم و بنابراین نیاز است تا در مسائل سیاست خارجی هم از درک انسانی برخوردار باشیم تا در نهایت دنیای جدید انسانی هم باز شود. سخن آخر اینکه؛ «ماندگاری» و «به شدگی» ایران در گرو فهم بهتر سیاست خارجی است، فهم بهتر سیاست خارجی در گرو پژوهش در سیاست خارجی است و در نهایت پژوهش در حوزه سیاست خارجی هم مستلزم توجه به «شرق» کشور است.

آخرین و سومین سخنرانی این نشست توسط مژده محمدی، کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، و کتابدار کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه ارائه شد. «کتاب‌شناسی و بررسی آثار منتشر شده در زمینه هرات»، عنوان سخنرانی مژده محمدی بود که طی آن به نکات زیر اشاره شد:

هرات سرزمین هنر، ادبیات و آثار باستانی و شهری در مسیر جاده ابریشم که به واسطه موقعیت جغرافیایی خاص خود، همواره دستخوش تحولات سیاسی و اجتماعی در دوران‌های گوناگون تاریخی بوده است. این پیشینه و سابقه تاریخی طولانی که بخش وسیعی از آن با تاریخ ایران گره خورده است سبب شده تا نویسندگان و تاریخ‌نویسان بسیاری به بررسی مسائل گوناگون هرات در موضوعات مختلف بپردازند. اکنون سؤال اینست که ابعاد موضوعی مورد توجه مؤلفان در زمینه هرات بیشتر متمرکز بر چه مسائلی بوده است و آیا آنها توانسته‌اند تا درک و شناخت درستی از این خطه را برای مخاطبان خود فراهم کنند و تا چه حد انتشار این آثار توانسته،



زمینه‌های درک مشترک تاریخی و فرهنگی میان دو کشور ایران و افغانستان را فراهم سازد؟ در پاسخ به این سؤال و با توجه به تمرکز بر کتاب خانم مهدوی با عنوان «هرات: بررسی آثار باستانی و تاریخی از دوره تیموریان تا تشکیل کشور مستقل افغانستان» می‌توان گفت، نام تاریخی «هرات» از دوره باستان و در کتاب «اوستا» وجود داشته، اما اهمیت هرات در دوره تیموریان بدین سبب است که این دوره عصر شکوفایی هرات بوده و حاکمان وقت هرات «شاهرخ میرزا»، «گوهرشاد بیگم» و ... توجه ویژه‌ای به خلق آثار هنری و کتابت و کتاب آرایی در زمینه‌های مختلف داشتند، اما درخصوص استفاده از منابع کتاب‌شناسی، اسناد و سفرنامه‌نویسی در باب افغانستان، با تأکید بر کتاب هرات که نویسنده نیز در کتاب خود از آنها استفاده کرده‌اند و به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌کنم که عبارتند از:

الف) دایره‌المعارف آریانا در ۱۳ جلد که بین سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۹ توسط انجمن دایره‌المعارف کابل چاپ و منتشر شده و سپس در سال ۱۳۸۵ دوباره به دستور حامد کرزای آغاز به کار می‌کند.

هرچند ایرادتی به جعل و تحریف تاریخ در این دائرةالمعارف وارد است اما پژوهشگران می‌توانند به‌عنوان یکی از منابع افغانستان به آن مراجعه کنند. (ب) درخصوص آثار و منابع خطی و دست‌نویس‌های تاریخی می‌توان به کتاب خطی «جغرافیای حافظ ابرو» اشاره کرد که در اواخر قرن ۸ و اوایل قرن ۹ و در عصر تیموریان به نگارش درآمده است. به دلیل اینکه شخص حافظ ابرو در همان دوره می‌زیسته است بنابراین توانسته بسیاری از مکان‌ها و اتفاقات آن دوره هرات را در کتاب خود ثبت کند. (ج) کتاب «پیراسته تاریخنامه هرات» اثر سیف بن محمد سیفی هروی (۶۸۱-۷۲۱) است که به رویدادهای تاخت‌وتاز مغول‌ها به ایران از ابتدا می‌پردازد و ظاهراً ایشان به اسناد دولتی هم دسترسی داشته است. زیرا در بسیاری از جاها به نامه‌ها و یا فرمان‌های خاصی اشاره می‌کند. (د) درخصوص اسناد و مدارک مرتبط با هرات می‌توان گفت که از دوره قاجار اسناد بسیاری در مراکز اسنادی گوناگون از جمله در «مرکز اسناد وزارت امور خارجه» وجود دارد که برای پژوهشگران قابل‌بازرسی و استفاده است. در این زمینه سیدعلی موجانی به تازگی دوجلد کتاب در این زمینه تألیف کردند که توسط انتشارات وزارت امور خارجه چاپ و منتشر شده است. کتابی با عنوان «فهرست عمومی دست‌نویس‌های فارسی مربوط به آسیای مرکزی موجود در کتابخانه‌های ایران» و کتاب دیگر با عنوان «فهرست اسناد و مدارک آرشیوی مرتبط با آسیای مرکزی موجود در کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی ایران» که در هر دو کتاب به موضوع هرات اشاره شده و اسناد و مدارک مرتبط آورده شده است. همچنین الهه کولایی هم «کتاب‌شناسی اوراسیای مرکزی و افغانستان» را تهیه کرده‌اند که توسط انتشارات دانشگاه تهران چاپ و منتشر شده که بازهم در بخشی از این کتاب به موضوع هرات پرداخته شده است. در دوره جدید، درخصوص استفاده از اسناد دوره قاجار به‌نظر می‌رسد پژوهش‌های انجام شده بسیار و امداد زحمات دکتر منصوره اتحادیه است.

در این زمینه لازم است به دو کتاب ایشان با عنوان: «انفصال هرات؛ گوشه‌ای از روابط خارجی ایران از سال ۱۲۰۰ تا ۱۲۸۰ ه.ق.» و همچنین کتاب «جنگ ایران و انگلیس؛ جدایی هرات» تألیف باریارا انگلیش و ترجمه دکتر منصوره اتحادیه اشاره کنم. کتاب مهم دیگر در دوره قاجار با عنوان «نامه‌های سیمون» است. وی در سال‌های ۱۸۲۴ تا ۱۸۵۱ در ایران زندگی می‌کرد. در ایران مقامات و مشاغل مختلفی داشته است. از او حدود ۱۵۲ نامه و سند به‌جای مانده که در سال ۱۳۶۹ این اسناد در اختیار دکتر اتحادیه قرار گرفت و او نیز کار تصحیح، ترجمه و چاپ آن را انجام دادند. ۲- در بخش سفرنامه‌ها و مقایسه این سفرنامه‌ها با سفرنامه مریم مهدوی، در اینجا به چند مورد اشاره می‌شود که عبارتند از: سفرنامه فرخ‌خان امین‌الدوله با نام «مخزن الوقایع» در دوره قاجار که تألیف حسین بن عبدالله سرابی است. در واقع شرح مأموریت فرخ‌خان به ممالک اروپایی است و از این نظر حایز اهمیت است که این مسافرت باعث عقد قرارداد معروف «پاریس» با انگلستان و چشم‌پوشی از هرات شد. سفرنامه دیگر در دوره قاجار، سفرنامه یک مأمور ناشناس ناصرالدین شاه قاجار به هرات است که توسط فرشاد فرش‌باف ابریشمی تهیه و توسط انتشارات «خانه تاریخ» چاپ شده است. اما از سفر نامه‌های مهم دیگر این دوره می‌توان به «سفرنامه موهان لعل» اشاره کرد. وی مسافر، دیپلمات و نویسنده هندی بود که نشان شوالیه شیر و خورشید را نیز از شاه قاجار دریافت کرد. او در اولین جنگ انگلیس و افغانستان در بین سال‌های ۱۸۳۸ تا ۱۸۴۲م. نقش اساسی و محوری در راه‌اندازی و گسترش شبکه اطلاعاتی انگلیس در افغانستان داشت. وی نامه‌های محرمانه حاکم قندهار به حاکم بلوچستان را به مقامات انگلیس تحویل داده و البته سفری هم به همراهی «الکساندر برنز» که افسر کمپانی هند شرقی، دیپلمات، کاشف و از عوامل بازی بزرگ در منطقه بوده، به افغانستان داشتند. هر دو نفر در سفرنامه‌های خود به شرح وقایع و رویدادهای آن دوران می‌پردازند که کتاب‌های آنان به لحاظ تاریخ سیاسی وقایع آن دوره حائز اهمیت بسیاری است. همچنین از سفر نامه‌های جدید و در دوره معاصر می‌توان به کتاب «خاک اولیا: سفر به هرات» توسط رادک سیکورسکی وزیر خارجه لهستان ترجمه عبدالعلی نور احرازی اشاره کرد که سفری به افغانستان داشت و در سال ۱۳۷۰ این کتاب چاپ و منتشر شده است. سفرنامه جدید دیگر کتاب «چای سبز در پل سرخ» است که توسط پیمان حقیقت‌طلب نوشته شده و انتشارات دیاران آن را در سال ۱۴۰۰ چاپ کرده است. از آنجا که در سفرنامه‌های تهیه شده، بیشتر به موضوعات و رخداد‌های روزانه و همچنین شرح آداب و رسوم اجتماعی آن کشور خاص پرداخته می‌شود، کمتر در آنها از اسناد و منابع کتابی استفاده شده است و این موضوع وجه تمایز سفرنامه مریم مهدوی از دیگر سفر نامه‌های منتشر شده است، اگر چه از نگاه سندشناسی اشکالاتی به کار وی وارد است. در بخش کتاب‌شناسی نیز به‌نظر می‌رسد، نحوه تنظیم آن دارای اشکالاتی است که البته به جهت نوع کار روزنامه‌نگاری دیپلماسی و از آنجا که ایشان خیلی با ظرافت‌های کار کتاب‌شناسی و سندنویسی آشنایی ندارند، بنابراین امکان دارد از این بعد برخی دوستان که کتاب را مطالعه کرده‌اند ایراداتی بگیرند که باتوجه به تلاش‌های ارائه شده، این اشکالات قابل چشم‌پوشی است و ان‌شاءالله در نگارش‌های بعدی حتماً با مشورت کارشناسان این حوزه این اشکالات را برطرف خواهند کرد.

تکانشگری، تصمیم‌گیری خطرناک و جرائم قضایی

نشست «تکانشگری، تصمیم‌گیری خطرناک و جرائم قضایی» ۱۳ تیرماه، به همت گروه روان‌شناسی پژوهشکده اخلاق و تربیت پژوهشگاه علوم انسانی برگزار شد. این نشست با هدف افزایش آگاهی جامعه در خصوص رفتارهای تکانه‌ای و زمینه‌های بروز آن و خصوصاً پیامدهای ناهنجار این ویژگی شخصیتی برگزار شد. در ابتدای نشست دکتر مهنوش هدایتی، مدیر گروه روان‌شناسی و مشاوره و دبیر تخصصی نشست، توصیف کوتاهی از تکانشگری و ضرورت آگاهی جامعه، والدین و سیستم قضایی در برخورد مناسب با افراد واجد این ویژگی شخصیتی داشت.



تکانشگری؛ آسیب‌شناسی رفتارهای پرخطر

اولین سخنران این نشست دکتر کسری شریفی، دانش‌آموخته دانشگاه فردوسی مشهد بود. وی سخنانش را با عنوان «تکانشگری؛ آسیب‌شناسی رفتارهای پرخطر» آغاز کرد و گفت: بسیاری از افراد جامعه در خلال زندگی روزانه دست به رفتارهای پرخطر می‌زنند (تاکاهازا، ۲۰۰۸). رفتارهای تکانشگرانه و انفجاری که در تعبیر کلی به‌عنوان رفتارهای ریسک‌پذیر مطرح شده‌اند، شامل مجموعه‌ای از کنش‌های رفتاری همراه با لذت‌جویی و تحول‌نا یافته هستند و معمولاً مخاطرات زیادی را به‌همراه دارند. (اختیاری و همکاران، ۲۰۰۵). اگرچه بررسی مصداقی تکانشوری ظاهراً ساده است، اما به‌دلیل وجود پیچیدگی‌های بسیار در تعریف اصولی این سازه، برچسب زدن بر یک رفتار به‌عنوان تکانشی بودن یا نبودن دشوار است (اوندن، ۱۹۹۹). با توجه به جایگاه مهم تصمیم‌گیری ریسک‌پذیر در ابعاد مختلف زندگی انسان، می‌توان نوعی کژکاری را در سیستم تصمیم‌گیری افراد تکانشگر متصور شد زیرا اخلاق در فرایند انتخاب بین گزینه‌ها و تصمیم‌سازی بخش اصلی سازه تکانشوری را نشان می‌دهد (اختیاری و همکاران، ۲۰۰۵).

دکتر شریفی ادامه داد: در بخش دیگری از تعاریف تکانشگری به مجموعه رفتارهایی گفته می‌شود که با وجود ضرر و آسیب احتمالی، امکان دسترسی به‌نوعی لذت یا امتیاز را نیز ایجاد می‌کنند (اختیاری و همکاران، ۲۰۰۵). این رفتارها دارای سه عامل زیر هستند: انتخاب یک گزینه از بین دو یا چند گزینه به همراه امتیاز، احتمال وقوع حوادث ناگوار در کنار یکی از چند گزینه موجود و مشخص نبودن احتمال نتایج ناخوشایند در زمان رخداد رفتار (دیو و لوکستن، ۲۰۰۴). تکانشگری یا Impulsivity به زبان ساده به معنی اقدام بدون تفکر قبلی و بدون در نظر گرفتن خطرات و پیامدهای احتمالی و بالقوه است. تکانشگری یک سازه چندوجهی و ویژگی مهم است که از منظر بسیاری از رویکردها مورد بررسی قرار گرفته است.

تکانشگری حوزه وسیع و گسترده‌ای از انواع رفتارها (ترافیکی، مصرفی، شهروندی و ...) را پوشش می‌دهد. مصداق‌های بسیاری را می‌توان برای تکانشگری نام برد، برای مثال فردی را در نظر بگیرید که بدون داشتن علم و دانش مرتبط و بدون در نظر گرفتن امنیت و شرایط سرمایه‌گذاری خانه‌اش را می‌فروشد و به بازار بورس می‌برد و ورشکست می‌شود یا فردی که بدون در نظر گرفتن عمق و بدون اطلاع از میزان ارتفاع به داخل رودخانه شیرجه می‌زند، شخص دیگری که بدون در نظر گرفتن شرایط و قصد بچه‌داری و بدون پیشگیری‌های لازم، اقدام به روابط جنسی پرخطر می‌کند همچنین در امر ازدواج و سایر حوزه‌ها باید به این سازه دقت و توجه خاصی داشت، لذا با توجه به اهمیت روز افزون پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در جوامع انسانی بررسی تکانشگری و آسیب‌شناسی رفتارهای پرخطر به لحاظ منطقی ضروری به نظر می‌رسد.

تکانشگری: پیش‌بینش رفتارهای اعتیادی



سخنران دوم این نشست دکتر اسماعیل ناصری، عضو هیأت علمی گروه روان‌شناسی و مشاوره پژوهشکده اخلاق و تربیت، مطالبش را با عنوان «تکانشگری: پیش‌بینش رفتارهای اعتیادی» آغاز کرد و گفت: تکانه impulse میل ناگهانی و گریزناپذیر برای انجام فوری یک عمل، که غالباً به عملی بدون قصد و اراده که نمی‌توان آنرا به‌خاطر آورد، منجر می‌شود. در مقابل عمل تکانشی (impulsive)، مهارت کنترل تکانه است که توانایی ایستادگی و مقاومت در برابر یک تکانه، میل یا وسوسه و تنظیم و تبدیل آن به عمل توصیف شده است. در روان‌شناسی شخصیت، منش تکانشی (impulsive character)، نوعی الگوی شخصیتی است که با گرایش به عمل عجولانه و شتابزده، بدون تفکر و دقت مشخص می‌شود. در زمینه آسیب‌شناسی روانی، تکانشگری (impulsivity) هم یکی از علائم تشخیصی چنداختلال روانی و هم یک طبقه تشخیصی از اختلالات روانی است. تکانشگری از علائم تشخیصی اختلالات ADHD، اختلال دوقطبی، اختلال شخصیت ضداجتماعی، و اختلال شخصیت مرزی است. همچنین در DSM-5 طبقه‌ای از اختلالات با عنوان؛ اختلالات ایدایی، کنترل تکانه و سلوک (Disruptive, impulse-control, and conduct disorders) تعریف شده است و شامل شش اختلال نافرمانی مقابله‌ای (oppositional defiant disorder)، اختلال سلوک (conduct disorder)، اختلال شخصیت ضداجتماعی (antisocial personality disorder)، اختلال انفجاری متناوب (intermittent explosive disorder)، جنون دزدی (kleptomania) و جنون آتش افروزی (pyromania) می‌شود. مشخصه تمامی این اختلالات، ناتوانی بیمار برای مقاومت در برابر یک تکانه، رانه (drive)، یا وسوسه شدید انجام رفتار به‌خصوصی است که برای خود و یا دیگران زیان‌بار است. فرد پیش از انجام این رفتارها معمولاً دچار تنش و انگیزتگی فزاینده‌ای می‌شود و گاهی (اما نه همیشه) این احساس تنش و انگیزتگی با انتظار هشیارانه لذت آمیخته است. انجام و تکمیل عمل مزبور سبب ارضاء و تسکین فوری می‌شود. اما بعداً و با فاصله متغیر پس از انجام عمل مزبور فرد دچار ترکیبی از پشیمانی، احساس گناه، سرزنش خود و وحشت می‌شود. فرد به‌دلیل احساس شرم در مورد رفتارهای تکانشی مکررش، آنها را مخفی می‌کند و این مخفی‌کاری کم‌کم بر کل زندگی فرد سایه افکننده و اغلب سبب تعویق افتادن درمان می‌شود.

برخی از موقعیت‌ها و تجربه‌ها از جمله مصرف مواد روان‌گردان احتمال بروز رفتارهای تکانشی را افزایش می‌دهند. مصرف‌کنندگان مواد، ویژگی‌های اختلالات کنترل تکانه را نشان می‌دهند، که در آن احساس تنش یا برانگیختگی فزاینده قبل از عمل تکانشی و به‌دنبال آن احساس آرامش یا لذت در هنگام انجام عمل وجود دارد. تصور می‌شود که اختلالات کنترل تکانه شامل مکانیسم‌های تقویت‌کننده مثبت است.

تکانشگری از جمله عوامل خطر مصرف مواد در نوجوانان است. تکانشگری شدید در ۱۵ تا ۲۰ درصد مردان الکلی مبتلا به اختلال شخصیت ضد اجتماعی مشاهده می‌شود، و آنها خطرات بالایی برای جنایت، خشونت و اختلالات متعدد مصرف مواد دارند. از نشانگان مسمومیت با مواد آرام‌بخش و خواب‌آور، ناتوانی در مهار تکانه‌های پرخاشگرانه جنسی است. رفتار جنسی تکانشی و بالقوه خطرناک از علائم مسمومیت با مواد محرک است. برخی از مصرف‌کنندگان طولانی مدت PCP سندرمی را گزارش می‌کنند که از دست دادن کنترل تکانه از نشانگان آن است. افرادی که با مصرف مواد استنشاقی (inhalants) نشئه می‌شوند ممکن است رفتار تکانشی یا پرخاشگرانه داشته باشند. همچنین اختلال کنترل تکانه نقش مهمی در رفتارهای اعتیادی مثل اختلال قماربازی (gambling disorder) دارد. بدون شک درمان اختلالات مصرف مواد نقش مهمی در کاهش رفتارهای تکانشی و به‌دنبال آن جرم و جنایت دارد.

رفتارهای تکانه‌ای، جرم و مسئولیت کیفری: رویکردی انتقادی به گفتمان تقنینی ایران



سخنران سوم این نشست دکتر سپیده میرمجیدی، عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل، مطالبش را با عنوان «رفتارهای تکانه‌ای، جرم و مسئولیت کیفری: رویکردی انتقادی به گفتمان تقنینی ایران» آغاز کرد و گفت: یکی از جهت‌گیری‌های مهم در مطالعه رفتار مجرمانه، بررسی پیوند بین تمایلات یا گرایش‌های شخصیتی با ارتکاب جرم است. اینکه تکانشگری یعنی رفتار پرریسک و نامتناسب با موقعیت، ممکن است از هر شخصی در موقعیت‌های خاصی سر بزند. اما برای اینکه ما این رفتار را از منظر جرم‌شناسی بررسی کنیم، مستلزم آن است که؛ اول، رفتار یا رفتارهای تکانشی فرد را در موقعیتی در نظر گرفته و مفروض بدانیم که آن رفتارها مسئولیت‌های قانونی و مشخصاً مسئولیت‌های کیفری برای فرد با این ویژگی در پی داشته باشد. دوم، این رفتارهای تکانه‌ای فرد در شرایطی باید باشد که به تعبیر قانون‌گذار، دست‌کم به اختلال نسبی در اراده فرد منجر شود، یعنی یک الگوی پایدار و مستمر در رفتار فرد، لذا هر طغیان خشمی به هر دلیلی محل بحث ما نیست و نمی‌توان از قانون‌گذار انتظار داشت هر خشمی را در رفع یا کاهش مسئولیت کیفری مؤثر بدانند.

سوم، از منظر جرم‌شناسی چالش و دغدغه اصلی در جایی نیست که رفتارهای تکانه‌ای یا تکانشی از ویژگی‌های اختلالات روانی باشند که آن بیماری مثل جنون یا اختلالات خلقی، یا دیگر اختلالات روانی منجر به از بین رفتن اراده کامل فرد می‌شود. بلکه نگرانی و موضوع اینجاست که از منظر روان‌شناختی فردی که رفتارهای خشن مشخصاً از خودش نشان می‌دهد، کاملاً توجیه زیستی و روانی داشته و دارای اختلال نسبی در اراده و تمیز باشد؛ اما این مسئله از نگاه قانون‌گذار ما کاملاً نادیده انگاشته شده باشد.

میرمجیدی افزود: در اغلب اختلالاتی که دارای ویژگی تکانشگری هستند، ما عدم توانایی در کنترل خشم و دشواری در تسلط بر آن، نامتناسب و شدید بودن خشم و خشمگین بودن‌های دائمی را می‌بینیم. با این حال، برای ارتباط این خشم به بحث ما و مباحث جرم‌شناسی، همین خشم حالا دوباره تقسیم می‌شود، به؛ پرخاشگری برنامه‌ریزی شده و پرخاشگری تکانشی که اولی کاملاً عاری از احساس و خیلی سرد و خشک است؛ برعکس پرخاشگری تکانشی، واکنشی و دارای بار هیجانی است که با از دست دادن کنترل رفتار مشخص می‌شود. بدین ترتیب، می‌توان بین تکانشگری، خشونت و جرم یک پیوندی قائل بود. بر همین اساس است که تکانشگری مکرراً در نظریه‌های اتولوژی جرم مورد ارجاع قرار می‌گیرد و حتی مشخصاً، تکانشگری و خودکنترلی پایین در مطالعات تجربی قابل توجهی نشان داده است که از عوامل پیش‌بینی کننده و تعیین کننده جرائم و البته جرائم جدی هستند. پس می‌توان از اصطلاحی تحت عنوان جرائم تکانه‌ای نام برد: جرائم خشونت‌آمیزی که به‌طور ناگهانی رخ می‌دهد تحت فشار ناشی از درگیری شدید عاطفی-احساسی نسبت به یک بزه‌دیده که با او یک رابطه بین‌فردی وجود دارد.

حالا باید دید گفتمان تقنینی و قضایی ما از حیث به رسمیت شناختن تکانشگری به‌عنوان یک عامل اثرگذار در ارتکاب رفتارهای مجرمانه و تبعاً مسئولیت‌گیری فرد چطور ارزیابی می‌شود. از همین ابتدا هم باید تأکید کرد، رفتارهای تکانه‌ای ناشی از طیفی از بیماری‌های روانی که موجب اختلال تام اراده در فرد و قدرت تمیز او می‌شود،



اساساً محل بحث ما نیست. چون ذیل جنون قرار می‌گیرد و این مسئله می‌تواند ابعاد گوناگونی داشته باشد و در جرائم متعددی هم بروز و ظهور داشته باشد مثلاً جرائم یقه سفیدها، جرائم خیابانی و ... طغیان خشم از نمونه‌های بارز این احساسات شدید است که بر مرتکب چیره می‌شود. پرسش این است که حقوق کیفری و به‌طور کلی اخلاق و عدالت چه پاسخی به این گونه از مرتکبان می‌تواند داشته باشد. از منظر بزه دیده‌شناسی (شاخه علمی) نیز این مسئله مورد توجه قرار گرفته و در چنین وضعیت‌هایی به مفهوم «بزه دیده مقصر» اشاره می‌شود که با اعمال خود موجب تحریک مرتکب می‌شود و بدین‌سان، در بزه دیدگی خود نقش دارد. در این وضعیت، مرتکب به واسطه طغیان احساساتش، اصولاً کنترلش را از دست می‌دهد و عامل تحریک‌کننده را به قتل می‌رساند. برخی کشورها مانند انگلستان در قوانین جزایی خود با پیش‌بینی این وضعیت خاص، طی شرایطی دفاعی خاص به نام دفاع تحریک یا تحریک‌شدگی را برای مرتکبی که به واسطه تحریک مقتول او را به قتل می‌رساند، تعیین کرده‌اند. چنانچه مرتکب بتواند شرایط مقرر برای این دفاع را ثابت کند، مشمول تخفیف محسوس شده و به‌جای محکومیت به قتل عمدی که شدیدترین کیفر را دارد، به مجازات قتل غیرعمدی محکوم می‌شود. مبنای این دفاع هم به بیانی ساده مبتنی بر این منطق اخلاقی و حقوقی است که چنانچه مرتکب جنایت در وضعیتی دردناک قرار گیرد که مقتول، عامل آن بوده و با رفتارهای غیرقابل تحمل خود او را آزار داده، و در واقع به بروز رفتارهای تکانه‌ای در فرد منجر شده است، عادلانه نیست که درباره (تحریک‌شونده)، همانند مرتکبی که در خارج از چنین وضعیتی می‌کشد، تصمیمی یکسان و مسئولیت و مجازاتی همسان در نظر گرفت.

دکتر میرمجیدی تأکید کرد: حقوق کیفری کنونی ایران در ارتباط با دفاعیات مانع مسئولیت کیفری یا موجب کاهش مسئولیت کیفری، بر این ایده استوار است که یا مرتکب واجد ارکان مسئولیت کیفری بوده و دارای مسئولیت تام است و یا با فقدان ارکان مسئولیت (مانند کودکی، جنون، اکراه و مستی)، به‌طور کلی فاقد مسئولیت کیفری است. بدین‌سان، برای وضعیت‌های بینابینی که متأثر از اخلال نسبی در عقل و ادراک و اراده و ... هستند، قائل به معذوریت برای مسئولیت‌پذیری کیفری نیست. این وضعیت در گواهی‌های پزشکی قانونی و آرای دادگاه‌ها به وضوح پیدا است. همانند گزاره‌های این چنینی که: «نامبرده در زمان ارتکاب جرم از سلامت کامل روانی برخوردار بوده و بر حرمت اعمال ارتكابی خود آگاهی داشته و علائمی از اختلالات روانی که باعث فقدان کنترل اراده و قوه تمیز او شود، مشاهده نشد». یا این‌که: «نام برده ... جنون ندارد» یا اینکه «بیماری روانی ... به حد جنون نمی‌رسد». دادگاه‌ها نیز با قائل شدن تنها به دو سر طیف سلامت کامل و جنون کامل، توسل متهم یا وکیل وی را به شرایط روانی که به حد جنون نرسد، «ایراد مؤثر» نمی‌پندارند. به همین جهت است که می‌توان مدعی شد حقوق کیفری ایران از بعد هنجاری به ارتکاب قتل در وضعیت طغیان شدید احساساتی مانند خشم و ترسی که از مقتول نشأت می‌گیرد و خود عاملش است، چندان نیاندیشیده و به بیانی ساده، مسئله را عمداً یا سهواً ندیده است.

میرمجیدی در خاتمه سخنانش تصریح کرد: در مجموع، از نظر تقنینی و بر پایه قوانین جزایی کنونی ایران با مرتکبی که در وضعیت احساسات شدیدی مانند خشم، ترس یا درماندگی ناشی از رفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده، در وضعیتی که به صورت نسبی (و نه کلی) کنترلی بر اراده و تسلطی بر ذهن خویش ندارد، مرتکب قتل بزه‌دیده‌ای که عامل تحریک مرتکب است می‌گردد، همانند یک انسان مختار و با اراده آزاد برخورد می‌شود و دقیقاً پرسش همین‌جا است که چگونه می‌توان از منظر عقلی و نیز ضرورت انطباق قواعد شرعی و فقهی با قواعد عقلی، اهلیت و تقصیر تام جزایی را برای چنین فردی متصور بود؟

بدین ترتیب، با وجود ارتباط میان رفتارهای تکانه‌ای یا تکانشگری با خشم و تبعاً ارتکاب جرم، این ارتباط تنها زمانی برای قانون‌گذار ایران عاملی در رفع مسئولیت کیفری است که فرد فاقد قوه اراده یا درک و تمیز و به عبارتی معنون باشد. حال آنکه ویژگی بارز بسیاری از اختلالات شخصیتی مانند اختلال شخصیت مرزی که تنها موجب اخلال نسبی در قوه ادراک فرد می‌شود، بروز رفتارهای تکانه‌ای است. اهمیت توجه قانون‌گذار به این مسئله به‌ویژه زمانی بیشتر است که مرتکبی که دچار اختلال شخصیت است بر اثر رفتارهای تحریک‌آمیز بزه دیده، دچار رفتارهای تکانه‌ای و در نهایت مرتکب قتل تحریک‌کننده می‌شود.

در پایان نشست نیز دکتر هدایتی با جمع‌بندی سخنرانی‌های ارائه شده و پاسخ به سؤالات حاضرین در نشست، بر ضرورت پرداختن به رفتارهای تکانه‌ای از دوران مدرسه و تشخیص نمودهای رفتاری آن تأکید و ابراز امیدواری کرد که در آینده نزدیک این مبحث در حوزه تعلیم و تربیت توسط گروه روان‌شناسی و مشاوره پژوهشکده اخلاق و تربیت مورد بحث و بررسی بیشتر قرار گیرد.

کارکرد زبان و مفهوم صدق در اندیشه هایدگر

نشست «کارکرد زبان و مفهوم صدق در اندیشه هایدگر»، ۱۳ تیرماه با سخنرانی دکتر مهدی اصفهانی برگزار شد. دکتر اصفهانی در ابتدای سخنانش گفت: مسئله محوری این نشست بررسی دیدگاه هایدگر درباره چگونگی کارکرد زبان بود. هایدگر درک خود از معنای زبان را ذیل مفهوم لوگوس و در مسیر مواجهه خود با مفهوم صدق تشریح می‌کند. به باور او مفهوم حقیقت یا صدق عموماً مطابق با نظریه‌ای رایج در خصوص صدق یعنی نظریه مطابقت فهمیده می‌شود. نظریه مطابقت به‌طور معمول به ارسطو نسبت داده می‌شود که از نظر هایدگر نه تنها چنین نسبتی به ارسطو صحت ندارد بلکه خود این نظریه فاقد چهارچوب منطقی صحیحی است و اینکه اصولاً سختی با تلقی ارسطو و یونانیان باستان از زبان ندارد. بخش مهم دیگر مورد نظر این بحث، نتایج رویکرد انتقادی هایدگر به مفهوم صدق در قالب نظریه مطابقت، بر نحوه کارکرد زبان از منظر وی است. تمرکز این گفتار بر بخش‌های کوتاهی از متن آلمانی وجود و زمان خواهد بود.



اصفهانی افزود: هایدگر مسئله صدق و نظریه مطابقت را در قسمتی از مقدمه وجود و زمان طرح می‌کند که درباره (امکان) پدیدارشناسی به‌صورت پیشینی در ذیل بحث از معنای لوگوس طرح می‌کند. وی معتقد است لوگوس در معانی متعددی نیز بکار رفته است. از جمله ترجمه‌ها و معادل‌هایی که برای لوگوس در طول هزاران سال تاریخ اندیشه استفاده شده است عبارتند از: عقل، حکم، مفهوم، تعریف، بنیاد یا مبنا و ارتباط یا نسبت. مسئله مهمی که در اینجا باید در نظر داشت این است که نگارش وجود و زمان در سال‌های ۱۹۲۵ و ۱۹۲۶ هم‌زمان با رواج مکتب اصالت روان‌شناسی‌گری در اروپا است به‌طوری‌که استاد هایدگر یعنی هوسرل را به تألیف کتاب بحران در علوم اروپایی وامی‌دارد و هایدگر نیز در مواضع مختلف این اثر، به نقد این رویکرد پرداخته است. در واقع از یک جهت می‌توان پدیدارشناسی را واکنشی به رواج اصالت روان‌شناسی‌گری در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی دانست. مادامی‌که غلبه اصالت روان‌شناسی‌گری آن دوران مدنظر قرار نگیرد، فهم دقیق آثار هوسرل و سنت پدیدارشناسی به‌طور کلی، میسر نمی‌شود. ادعای اصلی قائلین به اصالت روان‌شناسی‌گری این است که انسان واجد مجموعه‌ای از صور حسی است که بسته به روان، حالات، افکار و تصمیمات درونی خود این صورت‌ها را به هم پیوند می‌دهد. چنین رویکردی از منظر هایدگر کاملاً ذهنی‌گرایانه و بعضاً دل‌بخواهی است. زیرا اگر مقوله حکم را مطابق نظریات رایج حکم و در قالب ارتباط دادن صورت‌های ذهنی بفهمیم نه تنها هیچ بنیاد و مبنایی برای آنها قابل تصور نیست که این درک از حکم و زبان با آنچه یونانیان و به‌طور خاص افلاطون و ارسطو از لوگوس می‌فهمیدند نسبتی ندارد. بنابراین مقصود از کلام یا لوگوس در مرحله آغازین و معنای پایه‌ای، حکم نیست. به‌ویژه اگر با افاده حکم، منظورمان نوعی نسبت یا تعیین موضع باشد. یا به تعبیر قائلین به اصالت روان‌شناسی‌گری، احکام یا جمالاتی که انسان بیان می‌کند، بیان حالات خود انسان باشد و صرفاً به او بازگردد. هایدگر انتساب چنین معنایی از لوگوس به ارسطو را صحیح نمی‌داند.

دکتر اصفهانی تأکید کرد: انتساب معنای کلام به لوگوس از یک منظر در فلسفه دین نیز اهمیت دارد. به عنوان مثال شکل‌گیری علم کلام در عالم اسلام با محوریت کلام خدا و مسئله حادث یا قدیم بودن کلام الهی و نتایج متعدد مترتب بر آن، محوریت دادن به چنین معنایی از لوگوس را تداعی می‌کند. بر این مبنا کلام به مبحث محوری در الهیات به‌طور خاص و تفکر دینی و فلسفه دین به‌طور کلی مبدل می‌شود. بر همین سیاق برخی از محققین الهیات مسیحی نیز بنابر تحلیل‌های لغوی ادعا کرده‌اند در قرون چهارم و پنجم میلادی شواهد متعددی در دست است که اصطلاح تئولوژی به معنای کلام خدا مورد استفاده قرار می‌گرفته است. در واقع تئولوژی در اصل تئوس لوگوس بوده است که دقیقاً معادل کلام خدا است.

به باور هایدگر در متون ارسطو و افلاطون لوگوس به معنای کلام یا به تعبیر دقیق‌تر به معنای «دلون» مورد استفاده قرار می‌گرفته است یعنی آشکار کردن چیزی که در کلام از آن سخن گفته می‌شود. چنین معنایی از لوگوس را هایدگر مناسب‌تر می‌داند، اینکه مقصود از آن، آشکار کردن چیزی که کلام درباره آن است و راجع به آن سخن گفته می‌شود. البته تمام معنای لوگوس در دلون خلاصه نمی‌شود. ارسطو در موضوعی از جمله فصول یک تا شش کتاب درباره هرمنوتیک و نیز در بخش متافیزیک کتاب زتا و در اخلاق نیکوماخوس این بحث را پیش کشیده است. در توضیح اجزا این اصطلاح ارسطو می‌گوید کلام یا لوگوس دیدار چیزی را میسر می‌کند، چیزی را به معرض دید می‌آورد که به این کار فاینستای می‌گویند. در مسیر اپوفانیستای و در طی فرآیند کلام، به معرض دید درآوردن شامل خود گوینده در مسیر گفت‌وگو با دیگری نیز می‌شود. بنابراین کلام یا لوگوس عبارت است از به معرض دید آوردن.

وی گفت: اصطلاح اپوفانیستای حالت مصدري دارد که البته بر سیاق فرایند و روند نیز به‌کار رفته است. پسوند سیس نظیر آنچه در فوسیس یا گنسیس (احیاناً منظور فرونسیس و گنوسیسی نیست؟)، نشان روند است. استای حالت مصدري دارد و سیس دال بر روند و فرایند است. در روند تکلم، البته اگر این روند به درستی کار کند و واقعی باشد، آنچه را درباره‌اش سخن گفته می‌شود یا منشاء آن چیزی که گفته شده است را آشکار می‌کند. کسی هم که مبادرت به تکلم می‌کند و مطالبی را در میان می‌گذارد، در این چیزی که بیان می‌کند یا راجع به آن چیزی که دارد بیان می‌کند، نوعی آشکارگی را رقم می‌زند و آن را در دسترس دیگران و مخاطبین قرار می‌دهد. در واقع گوینده محتوای کلام را در دسترس شنونده قرار می‌دهد. بنابراین مقصود از اپوفانیسیس اشاره به ساختار کلام در قالب نوعی روند یا فرایند به معرض دید آوردن و آشکار کردن است.

دانشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
گروه فلسفه دین،
پژوهشکده فلسفه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:

**تأملی در کارکرد زبان نزد هایدگر،
نقد وی بر مفهوم صدق در نظریه مطابقت
و نتایج آن در فلسفه دین**

دکتر مهدی اصفهانی

هایدگر در مقدمه «وجود و زمان» در حین بحث درباره فونمولوجی به تناسب به بحث از لوگوس می‌پردازد و در تحلیل لوگوس به عنوان «کلام» نشان می‌دهد که لافیل یوتیلیان (مثلاً افلاطون و ارسطو) زبان را به معنای «جه معرض دید آوردن آن چه درباره آن سخن گفته می‌شود» می‌دانسته‌اند در پی این نکته وی مفهوم رایج صدق به معنای «مطابقت گزاره با واقع» را نیز مورد نقد و کاوش قرار می‌دهد این سخنرانی در بخش نخست با قرآنت، ترجمه و تفسیر این بخش نکات طرح شده را روشن نموده در بخش دوم امکان به کار بردن این درک در فلسفه دین در سه ساخت هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و فلسفه زبان دینی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

زمان: دوشنبه ۱۳ تیر ماه ۱۴۰۱ ساعت: ۱۰ تا ۱۲

لینک ورود رایگان:
<https://b2n.ir/b60968>

اصفهان‌ی افزود: هایدگر در ادامه تلاش می‌کند که نشان دهد چگونه در معانی دیگر لوگوس نظیر عقل یا حکم، معنای بنیادین، همان «به معرض دید آوردن» بوده است که به نحوی به این معانی مذکور مبدل شده است. او ابتدا از لوگوس به معنای حکم شروع می‌کند که نوعی سونتسیس یا برهم نهاد دو چیز یا دو مفهوم است. به نظر هایدگر از آنجایی که کارکرد لوگوس یا کلام در معنای اپوفانیسیس یعنی به معرض ظهور آوردن، عبارت است از «به معرض دید آوردن» چیزی که باعث می‌شود آن را به‌خوبی آشکار سازیم، می‌توان به کلام یا به لوگوس ساختار سونتسیس نسبت داد. این مسئله در حکم عبارت است از اینکه با سونتسیس، یعنی برهم نهادن نشان می‌دهید که این بود مشترک است، بنابراین شما چیزی را به عنوان چیزی می‌توانید ببینید چون واجد بود مشترک هستند. در واقع به‌همین دلیل است که به لوگوس، سونتسیس و حکم گفته می‌شود زیرا در لوگوس مسئله محوری، به معرض دید آوردن است، البته به معرض دید آوردن چیزی به عنوان چیزی.

در ادامه هایدگر به مسئله نامستوری (التئیا به یونانی، Wahrheit به زبان آلمانی، truth به زبان انگلیسی، پرداخته سپس معنای حقیقت یا معنای صدق و در نهایت «نظریه مطابقت» را مورد بررسی قرار می‌دهد. به باور هایدگر حال با تأکید بر اینکه مقصود از لوگوس در معنای کلام به معرض دید آوردن است، (به آلمانی *sehen lassen*) نسبت صدق و کذب به کلام را بهتر می‌توان دریافت. در واقع صدق و کذب به، به معرض دید آوردن نسبت داده می‌شود. به آلمانی این نسبت می‌تواند *wahr* یا *falsch* باشد یعنی حقیقی یا غیر حقیقی. در ادامه هایدگر قدری نقد مورد نظر خود از تلقی حقیقت در قالب نظریه مطابقت را که به باورش مفهومی ساختگی و تصنعی است، مطرح می‌کند. نظریه مطابقت (در آلمانی *Ubereinstimmung* و *correspondence* در انگلیسی) عبارت است از مطابقت حکم با واقع. بر این مبنا صدق نیز عبارت است از مطابقت حکم با واقع. هایدگر تأکید می‌کند که باید این مفهوم از حقیقت یا صدق را رها کنیم. برای این منظور باید به تلقی یونانیان از حقیقت در قالب التئیا رجوع کنیم. طبق دیدگاه یونانیان، نظریه حقیقت تنها در قالب الگوی مطابقت با واقع قابل فهم نیست و الگوهای دیگری هم قابل تصور است و چنین نیست که حقیقت صرفاً در این الگو قابل درک باشد. برای درک الگوهای دیگر باید توجه داشت که یونانیان حقیقت را به التئیا تعبیر می‌کردند.

این تعبیر به لحاظ ساختار لغوی متشکل از حرف نفی «ا» در آغازش و ریشه التئیا است. در توضیح اجزا لغوی این تعبیر هایدگر معتقد است حقیقت بودن کلام و حقیقت بودن لوگوس نزد یونانیان به شکل مصدری التئین بیان می‌شده است که مقصود از آن باشنده‌ای است که درباره آن سخن گفته می‌شود که در روند کلام یا روند گفتار به عنوان اپوفانیستای یعنی چیزی که به معرض دید می‌آید، از غیبت خویش یا از اختفا و مستوری خویش بیرون آورده شود و به عنوان نامستور یا پرده برافزوده به معرض دید بیاید یا اینکه مکشوف شود. *decke* به معنای پوشش، پارچه، پتو که روی چیزی می‌اندازیم، *entdecken* یعنی آن پرده و پارچه را برداریم و آنچه در آن پنهان بوده است را مکشوف کنیم. بنابراین مقصود از حقیقت بودن کلام این است که بتوان به‌واسطه کلام، پرده از امر مستور و در پرده برداشت و آن را آشکار کرد. به عبارت دیگر کلام، کشف امر مستور و غایب است. *verborgen* در انگلیسی *concealed* *unverborghenheit* به معنی نامستوری که معادل انگلیسی آن *unconcealed* است به معنی نامستور. چنین معنایی از حقیقت یا صدق نزد هایدگر اهمیت بسیاری دارد. با این توضیحات مشخص می‌شود که کلام زمانی حقیقت دارد (یا صادق است) که کشف امر مستور باشد. البته ادعای این دیدگاه این نیست که واقعیتی در جهان خارج وجود دارد که کلام با آن مطابقت دارد. در واقع ادعا این است که در صورتی کلام حقیقت دارد (یا صادق است) که بواسطه آن امر پنهانی آشکار شود. این همان معنای حقیقت داشتن (یا صادق بودن) است.

اصفهان‌ی تصریح کرد: گفتیم، حقیقت داشتن (یا صادق بودن) کلام عبارت است از آشکار کردن، کشف کردن یا پرده برافکندن از آن چیزی در کلام که راجع به سخن گفته می‌شود. بر همین سیاق و چهارچوب، نادرست بودن، ناحق بودن، باطل بودن در یونانی معادل سایداستای است که همان ریشه کلماتی چون سایدونوم، سایدو معنی مجهول و ساختگی است. به بیان دیگر چه وقت کلام باطل (کاذب) است؟ زمانی که آنچه را قرار بود آشکار کند، ملتبس سازد (*verdecken* به معنی پوشاندن و ملتبس کردن در مقابل *entdecken* به معنی آشکار کردن). کلمه التباس و لبس در زبان فلسفه اسلامی هم به‌همین معنا به‌کار می‌رود. هم چنین تلبیس با ریشه لبس در عبارت تلبیس ابلیس یعنی اینکه ابلیس لباس یا پوششی می‌افکند به‌طوری‌که امر بر ما ملتبس شود.

falsch sein به معنی غلط بودن (یا کاذب بودن) یا همان سایداستای، مساوی است با به اشتباه انداختن به‌واسطه ملتبس کردن. توضیح دقیق آن عبارت است از قرار دادن چیزی در مقابل چیزی دیگر در جایی که قرار بود به معرض دید آورده شود. به بیان دیگر به جای اینکه امر مستور را با کلام مکشوف کنیم، با پوششی یا لباسی ملتبس می‌سازیم. در سخن کاذب، امر مستور به عنوان چیزی عرضه می‌شود که در واقع آن چیز نیست.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که حقیقت بودن کلام به معنای نامستوری است. یعنی کلام از آنچه درباره آن سخن گفته می‌شود، پرده برمی‌دارد و نادرست بودن آن نیز مساوی با ملتبس کردن است.

دکتر اصفهانی در خاتمه سخنانش یادآور شد: به این بیان صادق بودن یا حقیقت داشتن زبان دین را در گرو کشف آن چیزی که از آن سخن گفته می‌شود، بدانیم. این مسئله تبعات و نتایجی در فلسفه دین و به‌طور خاص در حوزه کارکرد متن مقدس خواهد شد که عبارت است از مواجهه با زبان متن به‌مثابه نوعی کشف. یعنی قرار گرفتن در معرض زبان مساوی است با در معرض کشف قرار گرفتن. چنین نگاه یا خوانشی حاوی برخی لوازم هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه در ارتباط با زبان دین است. از جمله اینکه نفس خواندن متن، خود نوعی تجربه دینی و نوعی کشف است، البته اگر تجربه دینی را در زمره کشف به شمار آوریم.

با طرح چنین ادعایی، مسائل متعددی در ارتباط با انواع مخاطبین متون مقدس و کیفیت مواجهه هر کدام با این متون مطرح می‌شود که پرداختن به آن خود مجال مستقل و بحث‌های دقیق‌تری در حوزه تجربه دینی می‌طلبد. البته ادعا این نیست که مخاطب این کشف صرفاً پیامبران یا انسان‌های برگزیده و خاص هستند. اگر زبان صادق باشد عین کشف است. یعنی هر شخص عامی که تجربه خواندن متون مقدس را داشته باشد با کشف خداوند مواجه می‌شود و این امکان را دارد که خدا را کشف کند و بیابد. بنابراین پذیرفتن چنین مدلی نتایجی در فلسفه دین و مباحث مربوط به هرمنوتیک و زبان دین به دنبال دارد.

انتصاب‌ها

دکتر نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طی احکامی جداگانه

دکتر **علیرضا منجمی** را به‌عنوان سردبیر نشریه «پژوهش‌های علم و دین»،

دکتر **رمضان رضایی** را به‌عنوان سردبیر نشریه «آفاق الحضاره»،

دکتر **نیره دلیر** را به‌عنوان سردبیر نشریه «پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی»،

دکتر **زهره حیاتی** را به‌عنوان سردبیر نشریه «پژوهش‌های بین رشته‌ای ادبی»،

دکتر **سمیه‌سادات شفیعی** را به‌عنوان سردبیر نشریه «پژوهش‌نامه زنان»،

دکتر **طاهره کمالی‌زاده** را به‌عنوان سردبیر نشریه «حکمت معاصر»،

دکتر **علیرضا شعبانلو** را به‌عنوان سردبیر نشریه «ادبیات پارسی معاصر»،

دکتر **غلامحسین مقدم‌حیدری** را به‌عنوان سردبیر نشریه «فلسفه علم»،

منصوب کرد.

بحران اوکراین به مثابه نقطه عطف و تأثیرات بین‌المللی آن

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با هدف پرداختن به نظم بین‌الملل آینده و جایگاه و نقش سخت‌افزارانه و نرم‌افزارانه ایران در نظم برآمده پس از بحران برآن است تا همایش نظم جدید بین‌الملل، بحران اوکراین و جایگاه جمهوری اسلامی ایران را با همکاری سازمان‌ها و نهادهای علمی در ۵ بهمن ماه ۱۴۰۱ برگزار کند. پژوهشکده مطالعات سیاسی و روابط بین‌الملل و حقوق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در این خصوص پیش‌نشست‌هایی را برگزار کرده است که بحران اوکراین به مثابه نقطه عطف و تأثیرات بین‌المللی آن اولین پیش‌نشست از این همایش است که روز چهارشنبه، ۲۲ تیرماه ۱۴۰۱ برگزار شد.



فضای بین‌الملل در آغاز دهه سوم از هزاره سوم تجربه‌ای غیرمنتظره را از سر می‌گذرانند. در گام نخست گسترش قلمرو اتحاد ناتو به مثابه تهدیدی زنده از جانب روسیه مورد شناسایی قرار گرفت و در ادامه بحران به جدایی و شکاف بیشتر شرق و غرب انجامید. نبرد روسیه و اوکراین پیامدهای پیدا و ناپیدا برای جهان بین‌الملل دارد. این جنگ ترتیبات امنیتی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را به چالش کشیده است اهمیت این مسئله تا آنجاست که بسیاری از تحلیل‌گران دانش روابط بین‌الملل از تهدید استراتژیک ساختار حاکم بر نظام بین‌الملل سخن به میان آورده‌اند و به شناسایی نشانه‌های تحولی پرداخته‌اند که گمان می‌رود حضور مؤثر آنها در صحنه بیانگر آغاز عصر گذار به ساختار کمابیش متفاوتی در عرصه بین‌الملل باشد.

این نبرد پر بسامد هم در سطح جهانی و مناسبات ناشی از ساختار حاکم و هم در سطح منطقه‌ای و مناسبات ناشی از نظم حاکم بر منطقه تأثیر قابل توجهی بر سیاست خارجی ایران و نحوه بروز و ظهور آن برجای خواهد نهاد. بحران اوکراین را باید نقطه‌ای مؤثر در برآمدن نظامی نو در عرصه قطب‌بندی‌های بزرگ عرصه بین‌الملل دانست. مقام معظم رهبری هم در تحلیلی از جنگ اوکراین فرمودند که قضایای جنگ اخیر اوکراین را باید عمیق‌تر و در چارچوب شکل‌گیری نظم جدید جهانی دید که احتمالاً فرآیندهای پیچیده و دشواری، در پی آن شکل خواهد گرفت و در چنین شرایط جدید و پیچیده‌ای وظیفه همه کشورها از جمله جمهوری اسلامی حضور سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در این نظم جدید به‌منظور تأمین منافع و امنیت کشور و به حاشیه نرفتن است.

سخنران اولین پیش‌نشست دکتر جهانبخش ایزدی، در ابتدای سخنانش گفت: بحران اوکراین نقطه عطفی در نظام بین‌الملل است نظام بین‌الملل تاکنون تحولات مهم و مؤثری در خود دیده است. از جمله جنگ جهانی اول و دوم، بحران اقتصادی دهه ۳۰، بمب اتمی، بحران موشکی کوبا، فروپاشی شوروی و حادثه ۱۱ سپتامبر هر یک از این‌ها نقطه‌عطف محسوب می‌شوند. جنگ جهانی اول و دوم موجب ظهور قدرت‌های جدید در نظام بین‌الملل شد این معنای نقطه‌عطف است. توسعه اقتصادی در چین موجب به وجود آمدن یک رقیب در نظام بین‌الملل شد. فروپاشی شوروی نظم جدید مبتنی بر لیبرال‌دموکراسی، حادثه ۱۱ سپتامبر یعنی نظام نظامی‌گری، البته ما بهار عربی و ظهور داعش را شاهد بودیم که منشأ تحول خاصی در نظام بین‌الملل نشدند، گرچه شرایط ملت‌هایی را ایجاد کردند. اما بحران اوکراین یک نقطه‌عطف است. روس‌ها در پی هویت مستقلى در نظام بین‌الملل بودند که در چالش با هویتی بود که غرب ناتو با گسترش به شرق ایجاد می‌کرد و یک تلاقی هویتی شکل گرفت.

بحران اوکراین یک مسئله جدی و استراتژیک میان شرق و غرب است و مسئله استراتژیک تبعات استراتژیک خواهد داشت. آسیب‌های این بحران کثیرالاضلاع است و شاید مدتی بگذرد تا همه ابعاد آن بروز کند.

دکتر ایزدی در ادامه شرح داد: این آثار را از منظر کلان روند، در سه حوزه می‌توان دید: اول؛ تقویت منطق نظام بین‌الملل بر پایه ماهیت قدرت به معنای عام آن است که شامل همه عرصه‌ها و تحول‌یافته، به‌سازی شده و بازسازی شده است. چهار حوزه قدرت را باید برای بازیگران اصلی لحاظ کرد: نخست؛ قدرت نظامی که شاخص‌های آن را می‌توان تولید سلاح‌های کشتار جمعی، قدرت پرتاب آن، توان جنگ‌های پهبادی ماهواره‌ای دانست. دوم؛ قدرت اقتصادی که تابع عدم وابستگی به قدرت رقیب است. سوم؛ قدرت فرهنگی یعنی توان تأثیرگذاری بر افکار عمومی و تحریک احساسات و تحریک توده‌ها. چهارم؛ قدرت سیاسی که به‌مثابه چانه‌زنی در محافل بین‌المللی می‌باشد.

اگر به این معناها از این چهار حوزه قدرت بپردازیم، می‌توان بحران اوکراین را حول این چهار محور ارزیابی کرد. در بخش نظامی گرچه روسیه قوی است، اما این به معنی آسیب‌ناپذیری آن نیست. در بخش اقتصادی شامل اعمال تحریم‌ها هستیم. در بخش فرهنگی شاهد روایت‌های گوناگونی هستیم که جنگ روایت‌ها را تسهیل می‌کند. در بخش سیاسی هم قدرت سیاسی جدید به واسطه وجود نهادهای ناتوان امروزی برای مذاکره به حاشیه رفته‌است. استفان والت توصیه می‌کند الان شرایطی است که اروپا را به اروپایی‌ها واگذار کنیم و خلیج‌فارس و خاورمیانه را در وسط نگه داریم.

کلان‌روند دوم؛ فاش گشتگی محورها و مؤلفه‌های نظم جدید جهانی است این کلان‌روند نشان می‌دهد محورهای نظم جدید جهانی تا حدی مشخص شده‌است. نخست؛ بحران نشان می‌دهد که سازمان ملل کارایی نیم‌بند خود را ندارد. دوم؛ امنیت جهان و بین‌الملل پیوسته با مداخلات نظامی تهدید می‌شوند و شرط وجود امنیت دیگر کاربرد نظامی نیست و ابزارهای هوشمند تأثیرگذار است. سوم؛ وضعیت اکولوژیک و محیط‌زیست چنان آشفته‌است که بقای بشر را تهدید می‌کند. چهارم؛ استقلال کشورها تهدید می‌شود. پنجم؛ اقتصاد دیجیتال شرایط جدیدی را فراهم کرده است. ششم؛ وابستگی اروپا به سوخت روسیه منشأ عدم تناسب قوا در نظام بین‌الملل است. هفتم؛ تحول در حوزه سیستماتیک بازیگری و ساختاری دیده می‌شود که تحت تأثیر این بحران قرار گرفته است.



دانشگاه علامه طباطبائی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشگاه مطالعات سیاسی، روابط بین‌الملل و حقوق برگزار می‌کند

اولین پیش نشست همایش

«نظم جدید بین‌الملل، بحران اوکراین و جایگاه جمهوری اسلامی ایران»

بحران اوکراین به مثابه نقطه عطف و تأثیرات بین‌المللی آن



دکتر جهانبخش ایزدی

چهارشنبه ۲۲ تیرماه ۱۴۰۱ ساعت: ۱۴:۳۰ تا ۱۶:۳۰

به صورت حضوری و مجازی

حضور: بزرگراه کردستان، خیابان دکتر آینه‌وند (۶۴ غربی)،
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن ادب

لینک ورود مجازی به نشست: <https://b2n.ir/b65149>

از حیث سیستماتیک و ماهیت بازیگری دو نوع کنش در روابط بین‌الملل می‌بینیم؛ ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک. ژئوپلیتیک قطبی شدن بیشتر نظام جهانی را نشان می‌دهد و از منظر ژئواکونومیک اهمیت‌یابی بیشتر نظام تحریم و تضعیف اقتصاد دلار پایه مشاهده می‌شود. از چشم انداز ساختاری شاهد تشدید رقابت میان قدرت‌های بزرگ هستیم. سرانجام این که در نتیجه این بحران برجسته شدن اتحاد فرآتلاتیک و پررنگ شدن شکاف‌های سفارشی یا موقتی یا موسمی ایجاد یک تقسیم کار استراتژیک در عرصه نظام بین‌الملل را می‌توان متوقع بود.

ایزدی در خاتمه سخنانش یادآور شد: نکته دیگر این که آخرین کلان روند را می‌توان ظهور و بروز قدرت آسیایی یا آسیا به معنای عام آن دانست. مایکل شومان می‌گوید؛ نظام آینده جهان دو محور دارد. ۱- پکن ۲- واشنگتن البته با فرم‌های لیبرال و غیرلیبرال هر دو تک‌پایه و اقتصاد محور هستند. بنابراین بحران اوکراین تنازع بلوک‌های قدرت را تشدید کرد و این انگیزه را در چین تقویت کرد. البته سیاست چین بر خلاف سابق تهاجمی است و آمریکا را به چشم دشمن راهبردی و اقتصادی می‌داند. بحث یک کمر بند یک جاده قابل توجه است. اگر چین در بحران اوکراین به روسیه کمک کند نشان‌دهنده سیاست فاصله جویانه‌ی چین از غرب است هرچند این فاصله به جدایی کامل نمی‌انجامد. چراکه پیوندهای اقتصادی در دو بلوک قوی‌تر از پیوندهای اقتصادی دیگر بلوک است در این میان قدرت‌های میانه مانند هند در برزخ ایستاده‌اند. بنابراین بازیگری این‌ها تعیین شده نیست بعضی کشورهای آسیایی در حوزه غرب و بر برخی کشورها همچون ایران هنوز جایگاه آینده خود را تنظیم نکرده‌اند.

همچنین در بخش پایانی پرسش‌هایی به شرح زیر مطرح و بحث شد:

- ۱- بحران اوکراین چه تأثیری بر بحران مواد غذایی در سطح جهانی دارد؟
- ۲- پیامدهای کوتاه‌مدت بحران اوکراین چیست؟
- ۳- عمل‌هایی شتاب‌دهنده به این بحران در سطوح گوناگون کدام‌اند؟
- ۴- پرسش از افول آمریکا و افول هژمون غرب است و اینکه تأثیر این‌ها بر آینده اوکراین و نوع نگاه جمهوری اسلامی به این نظم‌های فعلی منطقه‌ای چگونه خواهد بود؟
- ۵- در نظم آینده بین‌الملل تعارض بیشتر است یا تعادل؟
- ۶- یکسری جریان‌های عوامل شتاب‌دهنده به ایجاد نقطه عطف منتهی شدند و از روی دیگر نقطه عطف شتاب‌دهنده-ی یکسری مسائل خواهد شد آیا ما شاهد افزایش گرسنگی خشونت و انقلاب و... خواهیم بود؟
- ۷- با جریان فزاینده مهاجرت به ترکیه فشار به اروپا و احزاب دست‌چپ و میانه حتی چه موضعی خواهند گرفت؟



تسلیت رئیس پژوهشگاه به دکتر زلفی گل

دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی طی پیامی به دکتر محمدعلی زلفی گل، درگذشت خواهر ایشان را تسلیت گفت. متن پیام بدین شرح است:

انا لله و انا الیه راجعون

استاد ارجمند

جناب آقای دکتر محمدعلی زلفی گل
وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری

با سلام،

درگذشت خواهر گرامی تان را خدمت جنابعالی و خانواده محترم تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم و رحمت و غفران واسعه الهی را برای آن مرحومه و صبر در این مصیبت را برای شما و سایر بازماندگان از درگاه رحمت الهی مسئلت دارم.

موسی نجفی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تسلیت پژوهشگاه به مناسبت درگذشت دکتر حسن ذوالفقاری

دکتر حسن ذوالفقاری، استاد زبان و ادبیات فارسی، نویسنده و پژوهشگر ادبی شب جمعه، ۱۷ تیر ۱۴۰۱، بر اثر سکت قلبی درگذشت. به همین مناسبت پژوهشکده زبان و ادبیات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پیام تسلیتی را منتشر کرد که در ادامه متن کامل این پیام از نظرتان می‌گذرد:

انا لله و انا الیه راجعون

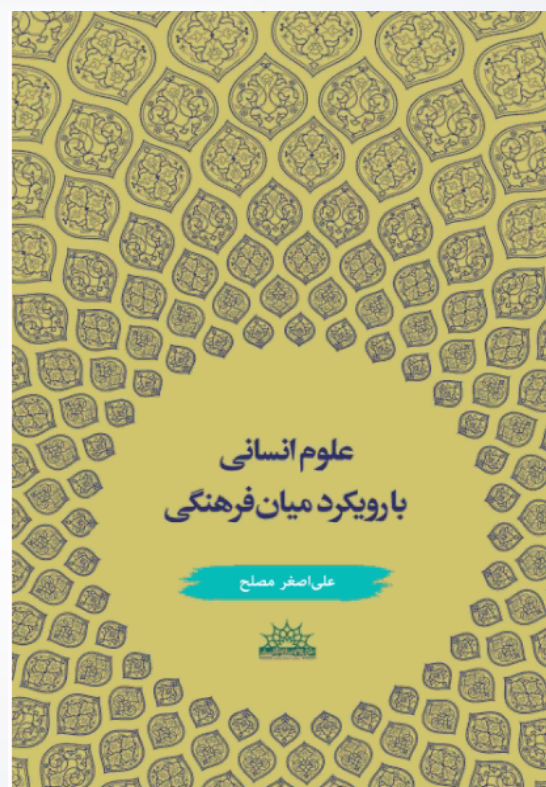
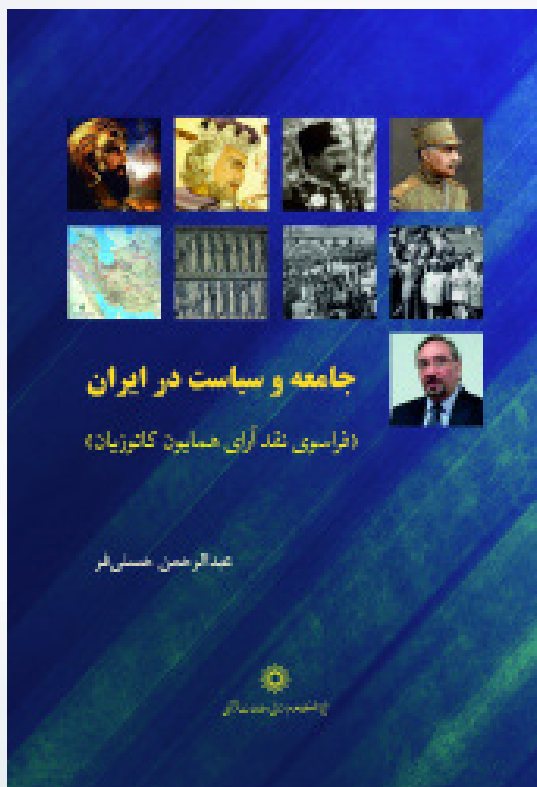
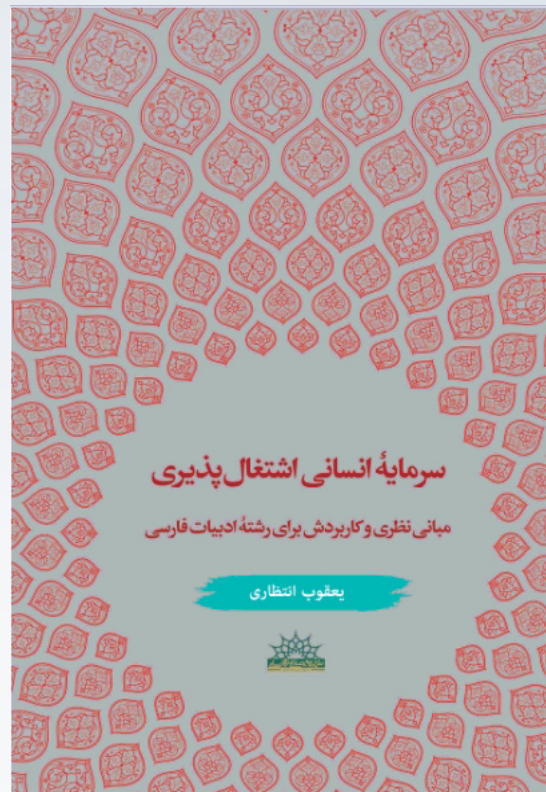
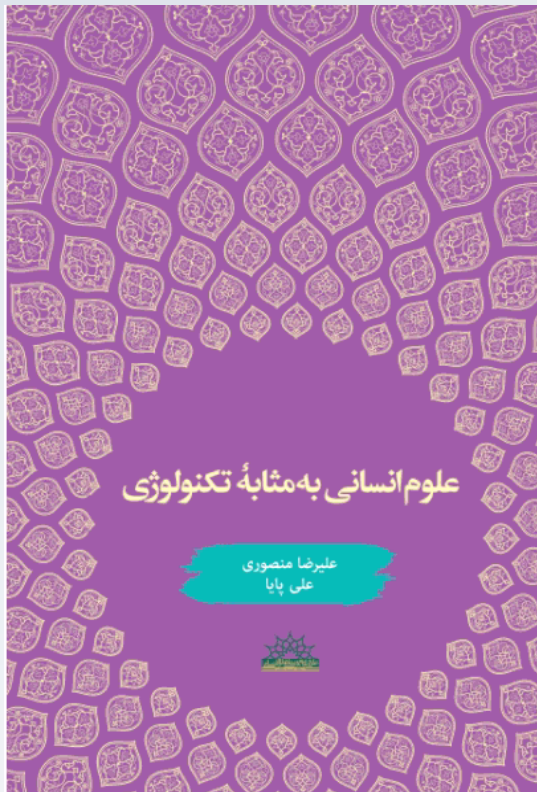
مصیبت بزرگ درگذشت استاد گرامی دکتر حسن ذوالفقاری را به جامعه علمی و ادبی ایران تسلیت عرض می‌کنیم.

دکتر حسن ذوالفقاری (متولد ۱۳۴۵ در شهر دامغان) دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی را در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گذرانده بود و اولین فارغ التحصیل این رشته در دوره جدید پژوهشگاه محسوب می‌شد. ایشان عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس و نویسنده و پژوهشگر و مؤلف کتاب‌های درسی و متخصص ادبیات عامه بودند که بیش از ۴۰ کتاب و ۱۵۰ مقاله علمی از خود به یادگار گذاشته‌اند.

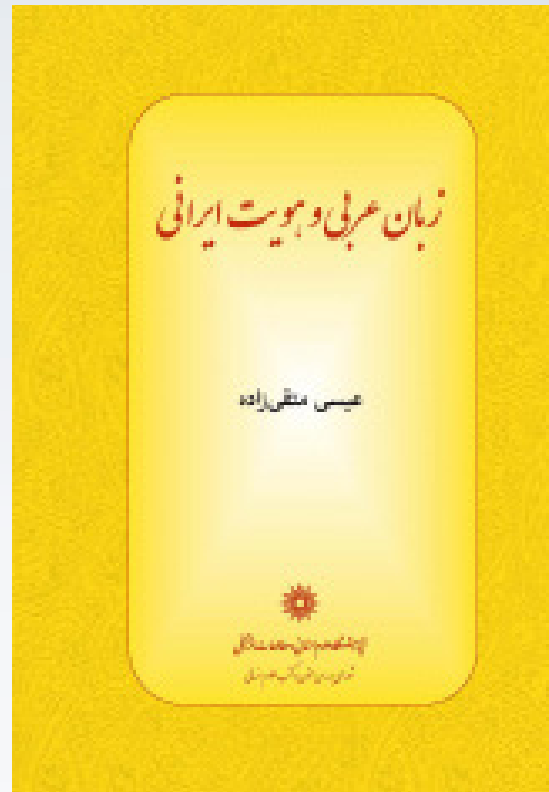
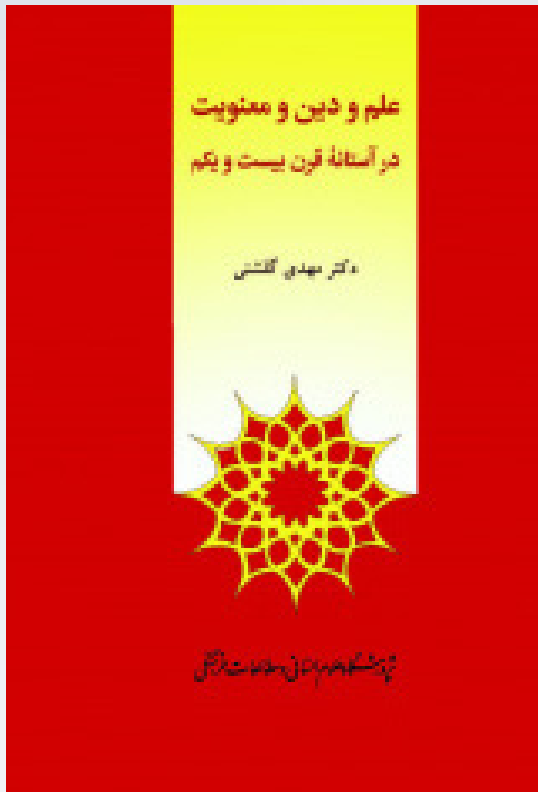
پژوهشکده زبان و ادبیات

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کتاب‌های منتشر شده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی




کتاب‌های منتشر شده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



هشتمین کنفرانس بین‌المللی شمس و مولانا

8th International Conference of
Shams and Mowlana



دکتر سیدمصطفی شهرآیینی

DR. S.MOSTAFA SHAR AYINI

دکتری فلسفه از دانشگاه تهران
 رئیس پژوهشکده فلسفه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و
 عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

8th
International Conference
2022
KHOY-IRAN
23-25 September

زمان: هفتم و هشتم و نهمه ۱۴۰۱ - ایران، آذربایجان غربی، قزوین
 Holding Time: 29-30 September 2022
 مکان: آگستراری، تهرآن، آذربایجان غربی، جمهوری اسلامی ایران
 Conference Venue: City Hall, Day Hall, Aghajari, G.A.R.
 بانی: هیئت‌مدیره علمی و تخصصی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



ثڤو، شكاھ علوم انسانى ومطالعات فرهنجى



آرشیو خبرنامه در وبگاه پژوهشگاه

زمان: هفتم و هشتم مهرماه ۱۴۰۱ - ایران، آذربایجان غربی، خوی
Holding time: 29-30 September 2022
مکان برگزاری: ایران، آذربایجان غربی، خوی
Conference Venue: City Hall, Khoy, West Azarbaijan, IRAN.
سالن همایش های مجتمع آموزشی فرهنگی بوتاب
علاقه مندان جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانند
به وبگاه همایش به نشانی www.conf-shams.ir مراجعه نمایند.
Those interested can refer to the site for more information.

8th
2022
SHAMS AND MOWLANA

سر دبیر: حوریه احدی

دبیر تحریریه: شهرام اصغری

هیأت تحریریه: محسن باباخانی، مجید زارع، سعیده زندی و صادق کیا

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

پیام رسان ها: @ihcss, @pajoheshgah